



جمهوری اسلامی ایران
وزارت نفت

امور زنان و خانواده وزارت نفت

حقوق انسانی زن

جلد دوم

اسفند ۱۳۹۵

حق انسانی زنان در خانواده

کلیات: تعریف واژه های مورد نظر

الف: حقوق انسانی: همه افراد بشر به دلیل انسان بودن دارای حقوق و آزادیهایی هستند.

برخورداری از این حقوق و آزادیها به حیثیت، عقیده، نژاد، رنگ، جنس و... آنان ارتباطی ندارد، زیرا همه انسانها در انسانیت مشترک و مساوی بوده و تفاوتی با یکدیگر ندارند.

حقوق و آزادیهای انسان شامل موارد زیر است:

حق حیات ، آزادی و امنیت فردی، آزادی از بردگی، آزادی فکر، مذهب، عقیده و بیان، حق کار،

حق برخورداری از سوح زندگی مناسب، حق مالکیت، حق ازدواج و تشکیل خانواده و ...

این موارد را حقوق بشر یا حقوق انسانی نام نهاده اند.^۱

ب: خانواده: خانواده از دیدگاههای مختلف جامعه شناسی، حقوقی و تعریف شده است. از نظر

جامعه شناسی ، خانواده گروهی است اجتماعی و متشکل از افرادی که دارای روابط سببی (زن و

شوهر) ، احیاناً نسبی و گاه فرزند پذیری با یکدیگرند .^۲ ویژگی اساسی خانواده تداوم زمانی و مشروعیت

اجتماعی آن است. در همه زمانها خانواده واحد مشروع تولید مثل به حساب می آید.

از نظر حقوقی ، خانواده به معنای عام و گسترده اش عبارت است از گروهی از افراد که از

یکدیگر ارث می برند و مرکب از شخص و خویشان نسبی و همسر او است. در معنای خاص یا خانواده

هسته ای، عبارت از زن و شوهر و فرزندان تحت سرپرستی آنها که معمولاً باهم زندگی می کنند تحت

^۱ کتب حقوق اساسی و فقه سیاسی از جمله حقوق اساسی دکتر سید محمد هاشمی

^۲ مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده - ساروخانی، باقر، ص ۱۴۳

ریاست شوهر و پدر هستند. ۱ در اسناد بین المللی هم خانواده رکنی طبیعی و اساسی اجتماعی است که باید مورد حمایت جامعه و دولت قرار گیرد^۲

گفتار اول: بررسی روند تشکیل خانواده (از نامزدی تا انعقاد عقد)

به منظور تشکیل خانواده ازدواج صورت می گیرد که هرچند از نظر ماهوی تقریباً اهدافی مشابه دارد (تشکیل خانواده، ارضاء غرایز مادی و معنوی انسانی و تداوم نسل) اما از نظر شکلی تنوع دارد. تفاوت فرهنگی و آداب و رسوم ملل و اقوام مختلف از مهمترین دلایل این تنوع است. در زمینه ازدواج باید توجه نمود که فرهنگ و سنن جامعه نقشی به مراتب مهمتر از قانون دارد. در انتخاب همسر، چگونگی اجرای مراسم، شرایط عقد و... (خواه فرهنگ ملی و قومی و خواه فرهنگ مذهبی) دخالت قانونگذار در امر ازدواج تنها در مورد حفظ حقوق افراد، نظم عمومی و اخلاق حسنه جامعه است. برای شناسایی فرهنگ ازدواج می توان تمرین زیر را اجرا نمود:

موضوع تمرین: دختر در منطقه محل زندگی شما در چه سنی، با چه شرایطی و چگونه

ازدواج می کند؟

هدف: شناسایی فرهنگ ازدواج و تطبیق آن با حقوق

مدت ۳۰ دقیقه: ۱۵ دقیقه برای پاسخگویی به سئالات و جمع بندی نظرات

۱۵ دقیقه برای تطبیق فرهنگ موجود با زمینه های حقوقی

نتیجه: شناسایی مغایرتها و ارائه پیشنهادات برای اصلاح ساختار اجتماعی

^۱ مختصر حقوق خانواده - صفایی - امامی صص ۱۳ و ۱۴

^۲ بند ۳ ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۲۳ میثاق حقوق مدنی - سیاسی و ماده ۱۵ اعلامیه حقوق بشر اسلامی

سئالات مطرح شده:

الف: سن ازدواج دختر و پسر؟

ب: چگونگی انتخاب همسر؟

۱. توسط خود طرفین و به صرف رضایت آنها

۲. توسط والدین و کسب رضایت طرفین

۳. توسط بزرگ فامیل و صرفاً در محدوده منطقه محل زندگی و با آشنایی قبلی

۴. ...

ج: چگونگی اجرای مراسم؟

د: شرایط ازدواج

۱. داشتن جهیزیه

۲. گرفتن شیربها

۳. تعیین مهر و ...

نکات قابل طرح:

۱. تطبیق هر مورد با موارد قانونی

۲. تطبیق هر مورد با موازین شرعی و مذهبی

۳. تطبیق هر مورد با مفاد کنوانسیونهای بین المللی

ضمائم مربوط به این گفتار:

قانون مدنی

الف - سن ازدواج

ماده ۱۰۴۱- نکاح قبل از بلوغ ممنوع است

تبصره: عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی و به شرط رعایت مصلحت مولی علیه صحیح می باشد.
(توضیح اینکه در آبان ماه ۱۳۷۹ مجلس شورای اسلامی ازدواج دختر زیر ۱۵ سال و پسر زیر ۱۸ سال را منوط به کسب اجازه از دادگاه کرد که شورای نگهبان آن را خلاف شرع شناخت).

ماده ۱۲۱۰- هیچکس را نمی توان بعد از رسیدن به سن بلوغ به عنوان جنون یا عدم رشد محجور نمود مگر آن که عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد.

تبصره ۱- سن بلوغ: در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است.

توضیح: طبق ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی حداقل سن ازدواج در قانون، سن بلوغ است که در مورد دختر بسیار پایین است و با موازین شرعی و طبیعی منطبق نیست.

تبصره ۲- موازین شرعی " بین فقها، اختلاف نظر وجود دارد. فقهای معاصر (آیت الله العظمی صانعی- آیت الله موسوی بجنوردی- آیت الله جنانی و...) نظر داده اند که باید سن طبیعی بلوغ را در شرایط فعلی جامعه در نظر گرفت (۱۳ سال برای دختر و یا سنی که دختر در آن عادت ماهیانه می شود).
در مورد سن بلوغ مبنای قرآنی وجود ندارد پس می توان قانون را بر مبنای نظر فقهای معاصر اصلاح نمود.

تبصره ۳- کنوانسیونهای بین المللی

- کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان

ماده ۱۶- بند ۲: نامزدی و ازدواج یک کودک از نظر قانون دارای اعتبار قانونی نمی باشد و کلیه تدابیر ضروری شامل وضع قانون برای تعیین حداقل سن به هنگام ازدواج و اجباری نمودن ثبت ازدواج در رفتار رسمی باید اتخاذ گردد.

- کنوانسیون حقوق کودک :

ماده ۱: کودک یعنی هر انسان زیر ۱۸ سال مگر این که بر طبق قانون مربوط به کودک سن بلوغ کمتر باشد.

تذکر مهم: کودک مورد نظر کنوانسیون کسی است که به مرحله بلوغ و رشد نرسیده (تعبیر فقهی محجور)

- کنوانسیون رضایت در خصوص ازدواج، حداقل سن برای ازدواج و ثبت آن (مصوب ۱۹۶۲)

ماده ۲: تعیین حداقل سن ازدواج

ب : چگونگی انتخاب همسر

۱- قانون

ماده ۱۰۶۲: نکاح واقع می شود به ایجاب و قبول به الفاظی که صریحاً دلالت بر قصد ازدواج می کند.

ماده ۱۰۷۰: رضای زوجین شرط نفوذ عقد است و هرگاه مکره بعد از زوال کره عقد را اجازه کند نافذ است مگر اینکه اکراه به درجه ای بوده که عاقد فاقد قصد باشد.

ماده ۱۰۴۳: نکاح دختر باکره اگر چه به سن بلوغ رسیده باشد موقوف به اجازه پدر یا جد پدری او است و هرگاه پدر یا جد پدری بدون علت موجه از دادن اجازه مضایقه کند، اجازه او ساقط و دختر در این صورت می تواند با معرفی کامل مردی که می خواهد با او ازدواج نماید شرایط نکاح و مهری که بین آنها قرار داده شده، پس از اخذ اجازه از دادگاه مدنی خاص به دفتر ازدواج مراجعه و نسبت به ثبت ازدواج اقدام کند.

- تذکر مهم: بررسی جنبه حمایتی ماده ۱۰۴۳ از دختران

۲- رعایت موازین شرعی

استقلال در انتخاب سرنوشت: در روایت آمده است: دختر نزد رسول خدا (ص) آمد، و از پدرش شکایت کرد به این دلیل که قصد دارد او را به عقد برادر زاده خود در آورد حضرت فرمودند اگر او را دوست نداری اختیار با خودت است برو و هرکس را خودت دوست داری به شوهری انتخاب کن (به نقل از مسالک و جواهر الکلام- باب نکاح)

استقلال حضرت زهرا (س) در انتخاب همسر - ممنوعیت نکاح شغار در اسلام ، (شغار یعنی معاوضه کردن دختران)

۳- کنوانسیونهای بین المللی

کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان:

ماده ۱۶- بند الف: حق یکسان برای انعقاد عقد ازدواج

بند ب: حق یکسان در انتخاب همسر و انعقاد عقد ازدواج فقط با رضایت کامل و

آزادانه آنها

کنوانسیون رضایت در خصوص ازدواج - حداقل سن ازدواج و ثبت آن

ج : شرایط ازدواج:

داشتن جهیزیه و گرفتن شیربها در هیچ یک از مواد قانونی نیامده است و تنها در مورد تعیین مهریه بنای تراضی طرفین حکم شده است.

ماده ۱۰۸۱ : تعیین مقدار مهر منوط به تراضی طرفین است.

ماده ۱۰۸۲ : به مجرد عقد، زن مالک مهر می شود و می تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید.

گفتار دوم : حقوق و تکالیف زوجین در دوران زندگی مشترک

ازدواج موجب می شود که طرفین رابطه ای اخلاقی - حقوقی با یکدیگر پیدا کنند. این رابطه طبیعتاً حقوق و تکالیفی برای هر یک از طرفین ایجاد می کند که بعضی مشترک است و بعضی مختص هر یک از زن و شوهر . هرچند بلافاصله باید یادآور شد که در مجموع حقوق و تکالیف زوجین در تحکیم خانواده و جهت دهی روابط عاطفی - انسانی طرفین از یک سو و روابط مالی آن ها از سوی دیگر است.

حقوق و تکالیف یکسان و مشترک

۱- حسن معاشرت

۲- همکاریو تحکیم مبانی خانواده

۳- سکونت مشترک

۴- وفاداری

۵- استقلال مالی

حقوق و تکالیف مختص

شوهر نسبت به زن: ریاست خانواده ، انفاق

زن نسبت به شوهر : تمکین که شامل تمکین عام (لزوم اطاعت از همسر در موارد انجام امور شخصی و اشتغال) و تمکین خاص می باشد.

در این رابطه می توان تمرین صفحه بعد را اجرا نمود:

تمرین

هدف : تشخیص میزان دخالت زن و شوهر در امور مربوط به خانواده

مدت ۳۰ دقیقه

سئوالات مطرح شده :

الف : امور به روابط مالی

آیا حق مالکیت زن و شوهر هردو به رسمیت شناخته می شود؟

آیا زن و شوهر استقلال مالی دارند؟

اداره اموال هر یک از ایشان و نیز اموال مشترک چگونه است؟

تأمین مخارج زندگی مشترک به عهده کیست ؟

و

ب : امور مربوط به حقوق شخصی

حق انتخاب نام خانوادگی (هویت)

حق اشتغال

حق حفظ تابعیت و مذهب و ...

و ...

ج : امور مربوط به فرزندان مشترک

حقوق فردی : هویت (نام خانوادگی) یا نسب - حضانت - ولایت

قیمت و سرپرستی و ...

حق تعلیم و تربیت و ...

تعداد فرزندان و ...

نکات قابل طرح توسط مدرس:

۱. هدایت جمع به شناسایی زمینه های قانونی - مذهبی - عرفی - بین المللی
۲. ارائه راهکار برای زمینه های مشکل ساز و مغایر با نیاز خانواده در جهت رفع مانع و مشکلات
۳. ارائه راهکار در جهت شناسایی هر چه بیشتر حقوق خانواده توسط حاضرین و روشهای ارتقاء فرهنگ حقوقی

ضمائم مربوط به این گفتار

۱- قانون

مواد ۱۱۰۲ تا ۱۱۰۷ قانون مدنی

ماده ۱۱۰۲: همین که نکاح به طور صحیح واقع شد روابط زوجین بین طرفین موجود و

حقوق و تکالیف زوجین در مقابل یکدیگر برقرار می شود.

ماده ۱۱۰۳: زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند.

ماده ۱۱۰۴: زوجین باید در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند.

ماده ۱۱۰۵: در روابط زوجین ریاست خانواده از خصایص شوهر است.

ماده ۱۱۰۶: در عقد دائم نفقه زن به عهده شوهر است.

ماده ۱۱۰۷: تأمین مخارج زندگی مشترک

ماده ۱۱۱۴: سکونت مشترک

ماده ۱۱۱۸: استقلال مالی زن

توضیح تبعات ریاست مرد در زمینه تصمیم گیری در امور خانوادگی زن به شرح زیر است:

تمکین، محل سکونت، اقامتگاه، تابعیت، انتخاب شغل، انتخاب نام خانوادگی

ماده ۱۱۱۴ - ماده ۱۰۰۵ - ماده ۹۶۳ - ماده ۱۱۱۷ (قانون مدنی)

در امور مربوط به فرزندان

ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی: حضانت و مواد ۱۱۷۸ و ۱۱۷۹

ماده ۱۰۰۶ قانون مدنی: اقامتگاه و ماده ۱۱۹۹: ولایت و

۲- مذهب و موازین شرعی

قرآن کریم

- و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم موده و رحمه (روم -

(۲۱)

- وعاشروهین بالمعروف (نساء - ۱۹)

- هن لباس لکم و انتم لباس لهن (بقره - ۱۷۸)

روایات

- کسی بر ما اهل بیت مهربانتر است که بر همسر خودش مهربانتر باشد، (پیامبر اکرم «ص»)

(وسایل الشیعه ، ج ۱۴ ، ص ۱۱)

- بهترین شما آنهایی هستند که برای زنان خود بهترند و من بهترین شما هستم بر اهل خودم

(پیامبر اکرم «ص» (من لایحضر الفقیه)

- سخن مرد به همسرش که تو را دوست دارم هیچگاه از قلب او پاک نمی شود (پیامبر اکرم

«ص») (وسایل الشیعه ، ج ۷ ، ص ۱۰)

- تکریم نمی کند زن را مگر کریم و تحقیر نمی کند او را مگر لثیم و پست (پیامبر اکرم «ص»)

(بحار الانوار ، ج ۱۶ ، ص ۲۹۶)

حق مالکیت

- للرجال نصیب مما اکتسبوا و للنساء نصیب مما اکتسبن (نساء ۳۱)

- للرجال نصیب مما ترک الوالدان و القربون و للنساء نصیب مما ترک....

سرپرستی خانواده

- الرجال قوامون علی النساء - (۳۴)

- للرجال علیهن درجه (بقره ۲۲۸)

حقوق مالی

- و اتوا النساء صدقها تهن نحلہ (نساء - ۴)

- فعلیکم کسوتهن و رزقهن بالمعروف ... (خطبه پیامبر «ص»)
- صاحب النعمه یحب ان یوسع علی عیاله (امام رضا (ع)، تحف العقول ، ص ۳۳۰)
- مشارکت در امور خانه : خدمت کردن به خانواده کفار گناهان کبیره است و آتش غضب خداوند را خاموش می سازد (پیامبر «ص») (بحار الانوار ، ج ۱۰۳ ، کتاب نکاح)

۳- اسناد بین المللی

ماده ۱۶ کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان :

دول عضو کلیه تدابیر مقتضی را به منظور رفع تبعیض علیه زنان در همه امور مربوط به ازدواج و روابط خانوادگی اتخاذ می نمایند و به خصوص براساس برابری مردان و زنان موارد ذیل را تضمین می نمایند:

الف : حق یکسان برای انعقاد عقد ازدواج

ب : حق یکسان در انتخاب آزادانه همسر و انعقاد عقد ازدواج فقط با رضایت کامل و آزادانه آنان

ج : حقوق و مسئولیت های یکسان در طی دوران ازدواج و به هنگام جدایی

د : حقوق و مسئولیت های یکسان والدین ، صرف نظر از وضعیت تأهل آن ها نسبت به اموری که به فرزندان آنها مربوط می شود.

ه: حقوق یکسان در مورد تصمیم گیری آزادانه و مسئولانه نسبت به تعداد فرزندان و فاصله سنی آن ها و دسترسی به اطلاعات و آموزش ابزاری که برخورداری از چنین حقوقی را میسر می سازد.

و : حقوق و مسئولیت های یکسان در مورد قیمومیت ، حضانت، سرپرستی و فرزند خواندگی کودکان..... با نهادهای مشابه در جایی که این مفاهیم در قوانین ملی وجود دارند در کلیه موارد منافع کودکان در اولویت است.

ز : حقوق شخصی یکسان به عنوان زن و شوهر، از جمله حق انتخاب نام خانوادگی و حق انتخاب تخصص یا شغل.

ح : حقوق مشابه برای زوجین در مورد مالکیت، اکتساب ، اداره ، سرپرستی ، بهره مندی و انتقال اموال اعم از این که رایگان باشد یا هزینه ای در بر داشته باشد.

گفتار سوم : نقش دولت در تأمین و حمایت از حقوق خانواده

از مهمترین خصوصیات ازدواج و تشکیل خانواده دو وجهی (دوجنبتین) بودن آن است به این معنی که هرچند ازدواج امری خصوصی و بر اساس حاکمیت اراده افراد (زن و شوهر) و به صرف رضایت آن است اما از آن جا که خانواده کوچکترین نهاد جامعه استو جامعه مجموعه ای از افراد خانواده ، نقش خانواده از نظر اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی انکار ناپذیر است به همین دلیل باید مورد حمایت جامعه و دولت به نمایندگی از سوی جامعه قرار گیرد.

به طور کلی موارد دخالت و نظارت دولت در موضوعات حقوق خانواده را می توان به شکل زیر ترسیم نمود:

الف : تضمین حقوق طرفین در رابطه با ثبت ازدواج

ب حمایت از حقوق طرفین در دوران زناشویی:

۱. از نظر معنوی (خشونت علیه همسر - عسر و حرج و...)

۲. از نظر مادی و مالی (تقسیم اموال مشترک - مهریه - نفقه و ...)

ج تأمین حقوق طرفین از نظر :

۱. تعلیم و تربیت

۲. کار

۳. بهداشت

تمرین

تمرین این قسمت را می توان به صورت پرسش و پاسخ میان شرکت کنندگان انجام داد:

هدف : شناسایی تأثیر و نقش دولت در حقوق خانواده

مدت ۳۰ دقیقه

تقسیم زمانی : ۲۰ دقیقه برای مباحثه گروهها یا شرکت کنندگان

۱۰ دقیقه برای جمع بندی مطلب

سئوالات :

۱. آیا ثبت ازدواج و نظارت جامعه بر امر ازدواج لازم است؟ چرا؟

۲. آیا نیروهای دولتی حق مداخله در امور خصوصی و خانوادگی ما را دارند؟

۳. آیا مداخله دولت در کاهش و یا از بین رفتن خشونت علیه همسر موثر است؟

۴. نقش دولت در تضمین و حمایت مالی زنان چیست؟

۵. در تضمین و حمایت از حقوق خانواده دولت چه زمینه هایی را باید توجه نماید؟

نکات قابل طرح توسعه مدرس

۱. بحث نقش دولت در تدوین قوانین - تأمین ضمانت اجرای مناسب - عملکرد اجرایی و اداری -

و در نهایت فرهنگسازی

۲. بیان ارتباط حقوق خانواده و حقوق بشر

نکته قابل تأمل: کلیه مقررات قانونی که از سوی قوه مقننه وضع شده قاعده آمره بوده و در

جهت تضمین، تأمین و حمایت حقوق خانواده است.

گفتار چهارم: نگرش به جایگاه و حقوق زن در خانواده

حقوق زن از ابعاد مختلف آن (سیاسی - اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی و ...) در طول تاریخ تحولاتی

چشمگیر را شاهد بوده است، از آن هنگام که چون یک کالا مورد معامله قرار می گرفته تا دورانی که

داعیه تساوی وی با مردان اظهار شده است. اینکه اکنون جایگاه زن مورد شناسایی قرار گرفته و ایده

آلها ترسیم گردد، کمک شایانی است به زنان جامعه برای آگاهی از حقوق انسانی خود به ویژه در کانون

خانواده از یک سو و به دولت برای تأمین و حمایت از این حقوق در جهت سالم سازی روابط درون

خانواده در سطح وسیعتر اجتماع.

تمرین

در زمینه انجام این مهم می توان تمرین زیر را که با نگرش کلی بر روند کار ارائه شده، مطرح نمود:

هدف: شناسایی جایگاه زن و حقوق انسانی وی در خانواده در گذشته، حال، آینده

مدت ۳۰ دقیقه

تقسیم مطلب: ۱۰ دقیقه کار گروهی

۱۰ دقیقه ارائه نظرات

۱۰ دقیقه جمع بندی مطلب

سئوالات مورد بحث:

۱. مقایسه جایگاه شرکت کنندگان با نسل قبل از خود (مادر - مادر بزرگ)

۲. تصویر نمودن جایگاه دختران خود (نسل بعد)

۳. تصویر نمودن جایگاه زن ایده ال

۴. نقش هر کدام از مخاطبین در تحقق تصویر ایده ال

۵. نقش خانواده در تحقق تصویر ایده ال

۶. نقش دولت در تحقق تصویر ایده ال

۷.

جمع بندی توسط مدرس: با تأکید بر این نکته که حقوق زن در خانواده در ارتباط مستقیم با حقوق بشر در عرصه بین المللی قابل طرح است گرچه توجه به فرهنگ و آداب و رسوم جامعه امری ناگزیر و اجتناب ناپذیر است.

ضمائم : در این مورد می توان تحلیلی اجمالی از کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان ارائه نمود و همچنین موارد مربوطه به خانواده در اعلامیه های جهانی حقوق بشر و حقوق بشر اسلامی.

حق انسانی زنان و کار

اهداف

- ارزیابی اهمیت کار بی مزد و مواجب خانه داری در زندگی زنان،
- پی بردن به تفاوت میان بخش رسمی و غیر رسمی و کار زنان،
- شرح تمایز میان عدم تبعیض و برابری فرصت و مشخص کردن منظور از داشتن حقوق انسانی در محل کار،

شروع به حرکت : اندیشیدن درباره زنان و کار

نخستین پرسش در این زمینه مربوط است به مفهوم کار، کار چیست؟ معمولاً تلقی از کار فعالیتی است که در برابر اجرت و مزد می باشد. از این رو بسیاری از فعالیت هایی که زنان انجام می دهند مانند پرورش فرزند، خانه داری ، فعالیت های زنان روستایی در بخش کشاورزی معیشتی مانند بریدن علف، رسیدگی به دام های معدود خانگی و غیره اساساً کار به حساب نمی آیند.

علاوه بر آن در کارگاه های خانوادگی که کار به وسیله اعضای خانواده به اتفاق هم صورت می گیرد مانند قالی بافی و غیره اصولاً چنین کارگاه هایی مشمول حمایت های قانونی نیست و مزدی هم به صورت مستقیم پرداخت نمی شود.

مهمتر آن که در بخش غیر رسمی اقتصاد هر چند کار همراه با مبادله پول است اما به دلیل ماهیت بی نظم و ضابطه کار در بخش غیر رسمی دفاع از حقوق انسانی کارگران بسیار دشوار است. برای توضیح

بیشتر یادآور می شود فعالیت ها به دو بخش رسمی (سازمان یافته) و غیر رسمی (سازمان نیافته) تقسیم می شود.

زنان و بخش غیر رسمی : بخش غیر رسمی شامل کارهای گوناگون است.

کارهای خانگی

بسیاری از زنان در خانه خود برای موسسه تولیدی معینی کار می کنند مثلاً لباس می دوزند و یا تریکو می بافند اینگونه فعالیتها در کشورما مشمول قوانین کار نیستند. دیگر فعالیت های بخش غیر رسمی مانند دست فروشی در خیابان ها، خدمتکاری در خانه ها، انجام کارهای فردی ، کار در بخش کشاورزی و مشاغل بسیار دیگر جزو بخش غیر رسمی به حساب می آیند.

بخش غیر رسمی اگر چه جزیی از فعالیتهای اقتصادی کشورها به شمار می رود اما تحت نظم و ضابطه قرار ندارد و معمولاً از حمایت های قانونی بهره مند نیست ، معنی این گفته آن است که زنان مزدهای ثابتی نمی گیرند و در شرایطی کار می کنند که زیر نظارت مقام های رسمی نیستند.

در افریقا بیشتر از یک سوم زنانی که بیرون از بخش کشاورزی فعالیت اقتصادی دارند در بخش غیر رسمی کار می کنند . در آسیا ، اندونزی و کره ، بالاترین نسبت ها را دارند (به ترتیب ۶۵ درصد و ۴۱ درصد)

به دلیل ماهیت بی نظم و ضابطه کار در بخش غیر رسمی دفاع از حقوق انسانی زنان کار دشواری است. خدمات اقتصادی زمانی که در بخش غیر رسمی به کار اشتغال دارند معمولاً در تولید ناخالص ملی کشور نیز محاسبه نمی شود. با این وصف در برخی کشورها برای دفاع از حقوق افراد در بخش غیر رسمی فعالیت هایی صورت گرفته است که در پاره ای موارد به نتیجه هم رسیده است. به عنوان مثال

در کشور کلمبیا قانونی به تصویب رسید که شخصاً از کارگران خانگی حمایت می کند. در ایران به هنگام تهیه پیش نویس قانون کار پیشنهادهای مشخصی در این زمینه ارائه شد که متأسفانه به نتیجه نرسید.

زنان ، اعتبار و در آمد زایی

زنان غالباً برای توسعه فعالیت هایشان در بخش غیر رسمی یا راه انداختن کسب و کار تازه نیاز دارند که به اعتبارات و وام های بانکی دسترسی داشته باشند اما در این راه با دشواریهایی روبرو می شوند و معمولاً کمتر می توانند از این تسهیلات استفاده کنند.

در برخی کشورها سازمانهای غیر دولتی و موسسه های عمرانی کوشیده اند که به مسئله دسترسی زنان به اعتبارات بپردازند . برخی از آنها صندوق های وام در گردش مختص زنان تأسیس کرده اند و پاره ای دیگر به طریق راه اندازی کسب و کارهای کوچک به ایجاد فعالیت های در آمدزا کمک رسانده اند.

زنان و بخش رسمی

منظور از بخش رسمی اقتصاد، صنعت ، خدماتو آن بخش از کشاورزی است که دارای نیروی کار مزدبگیر باشد. یکی از بزرگترین تغییرات اقتصادی دهه های گذشته هجوم زنان به صورت نیروی کار مزدبگیر و به عبارت دیگر کاربرد بخش رسمی اقتصاد است. برابر گزارش و برخی برآوردهای سازمان ملل بیش از نیمی از نیروی کار مزدبگیر را زنان تشکیل خواهند داد. هرچند کارگران شاغل در بخش رسمی اصولاً باید مشمول حمایت های قانونی باشند و تحت پوشش قوانین کار و تأمین اجتماعی قرار داشته باشند اما همواره چنین نیست.

علاوه بر آن در بیشتر موارد بین مردان و زنان از حیث فرصت اشتغال، مزد و امنیت شغلی تفاوتی به چشم می خورد برخی شغل ها که به عنوان کار زنانه تعریف شده اهمیت کمتری داشته و امنیت شغلی در مورد آنها ضعیف است. در کشورهای پیشرفته صنعتی فقط ۱۵ تا ۲۰ درصد کارگران بخش صنعت را زنان تشکیل می دهند یعنی به کارهایی که شباهت محسوسی به نقشهای سنتی زنانه دارند. در پست های مدیریت چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی نسبت زنان به مردان بسیار کم است.

بی عدالتی در کار زنان

برابر گزارش سازمان ملل در بیشتر کشورها تعداد ساعاتی که زنان بدون کارمزد کار می کنند دست کم دوبرابر ساعاتی است که مردان بدون مزد کار می کنند. در ژاپن این رقم ۹ برابر است. بر طبق برآوردهای سازمان ملل، کارهای خانگی بدون مزد بین ۱۰ درصد و ۳۵ درصد محصول ناخالص ملی را در سراسر جهان تشکیل می دهند.

زنان در سطح جهان ۵۰ تا ۸۰ درصد مزد مردان را دریافت می کنند. در برخی مناطق نسبت از این هم کمتر است. در استرالیا و بریتانیا زنان صد برابر بیشتر از مردان به مراقبت از کودکان می پردازند. این رقم در اسپانیا و ژاپن ۶ برابر است.

تبعیض علیه زنان در محل کار

علاوه بر تفاوتی مربوط به مزد و آنچه در بالا بدان اشاره شد تبعیض ها و تفاوتی دیگر نیز وجود دارد از آن جمله :

- مرداندر انتخاب کارشان آزادتر از زنانند.

- برای دسترسی به برنامه های آموزشی و افزایش مهارت شغلی به مردان امکان بیشتری داده می شود.
- ساعات کار برای نقشهای مردانه در خانواده ها مناسب ترند تا برای نقشهای زنانه که شامل رسیدگی به امور خانه و مراقبت از فرزندان می شود. مثلاً زنی که مسئولیت تربیت فرزندان خود را به عهده دارد ممکن است به ساعات انعطاف پذیر و یا به مهد کودکی که توانایی پرداخت هزینه های آن را داشته باشد نیاز داشته باشد و مشاغل اندکی چنین امکانی را فراهم کنند. زنی که برای پرورش فرزندش مدتی مرخصی می گیرد پس از بازگشت به کار در موقعیت ضعیف تری نسبت به مردان قرار می گیرد، ممکن است امکان ارتقای مقام و یا حتی پست قبلی خود را از دست بدهد .
- در ساختار شرکتهای بزرگ دولتی و یا خصوصی و حتی در اتحادیه های کارگری زنان نمایندگانی در سطح مناسب ندارند و تصمیم گیریهایی برعهده آنان نیست.

قوانین حمایتی کار

این بحث را از دو جنبه بررسی می کنیم نخست اشاره ای داریم به استاد بین المللی و سپس حقوق ایران را به اختصار خواهیم دید.

اسناد بین المللی و کار زنان

از زمان تأسیس سازمان بین المللی کار در سال ۱۹۱۹ اسناد بسیاری در زمینه حمایت های ویژه از زنان (مرخصی بارداری و زایمان، ممنوعیت کار شب، ممنوعیت کار های سخت و زیان آور) و یا در جهت رفع تبعیض (مقاوله نامه شماره ۱۱۱ مربوط به منع تبعیض در استخدام و اشتغال که از جمله

هر نوع تبعیض براساس جنسیت را منع می کند) و یا به منظور ایجاد شرایط مساوی کار (مقاوله نامه شماره ۱۰۰ درباره برابری مزد زن و مرد) تصویب شده است که مورد قبول بسیاری از کشورها قرار گرفته است. هرچند متأسفانه دولت ایران به شمار اندکی از این مقاوله نامه ها پیوسته است. (البته به مقاوله نامه های شماره های ۱۰۰ و ۱۱۱ ملحق شده است) اما تأثیر آنها در حقوق داخلی ایران کم نبوده است.

در اسناد سازمان ملل متحد چه در اعلامیه جهانی حقوق بشر و چه در میثاقهای دوگانه مصوب ۱۹۶۶ (یعنی میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی که دولت ایران هم آنها را پذیرفته است) و چه در پیمان نامه مربوط به رفع تبعیض از زنان، به حقوق متعددی در زمینه کار اشاره شده است.

مهمترین این حقوق عبارتند از :

حق کار، حق بهره مند شدن از مزد منصفانه، حق بهره مند شدن از مزد مساوی در برابر کار مساوی، حق بهره مند شدن از شرایط سالم و بهداشتی کار، حق برخورداری از وقت استراحت و فراغت ، حق بهره مند بودن از تأمین اجتماعی، حق استفاده از مرخصی بارداری و زایمان، حق کودکان برای محفوظ بودن از استثمار، حق برخورداری از سطح مناسب زندگی. برخی از این حقوق رادر قوانین داخلی کشورمان مطالعه می کنیم :

حقوق ایران

۱. حق کار، یعنی حق داشتن کار و امکان اشتغال، این حق در اصول مختلف قانون اساسی جمهوری اسلامی به ویژه اصل ۲۸ و بند ۲ اصل ۴۳ مورد تأکید قرار گرفته است.

۲. حق بهره مند شدن از مزد منصفانه، این نکته به صراحت در قانون نیامده است اما موضوع

حداقل مزد (ماده ۴۱ قانون کار) مورد توجه قانونگذار بوده است.

۳. حق بهره مند شدن از مزد مساوی، این حق در ماده ۳۸ قانون کار به صورت زیر بیان شده

است:

۴. حق بره مند شدن از شرایط سالم و بهداشتی کار، در این زمینه فصل چهارم قانون کار

رهنمودهای کلی ارائه می کند و مقرر می دارد که مقررات جزئی و دقیق به موجب آئین نامه

یی تدوین شود. این مقررات به صورت یکسان شامل زن و مرد می شود با این تفاوت که

کارهای سخت و زیان آور نباید به زنان ارجاع شود (ماده ۷۵) همچنین حمل بار با دستو بدون

استفاده از وسایل مکانیکی بیش از ۲۰ کیلو برای زنان و بیش از ۱۰ کیلو برای دختران نوجوان

(زیر ۱۸ سال) ممنوع است (همان ماده و آئین نامه مربوطه)

۵. حق برخورداری از اوقات استراحت و فراغت، محدود بودن ساعات کار در قانون پیش بینی شده

است.

۶. حق بهره مند شدن از تأمین اجتماعی، زنان به عنوان همسر بیمه شده مرد و نیز به عنوان

کارگر می توانند از مزایای تأمین اجتماعی برخوردار شوند اما در برخی موارد تفاوتی وجود

دارد (مثلاً در صورت فوت بیمه شده زن، فرزندان وی با شرایط خاصی می توانند از مستمری

ناشی از فوت سرپرست خانواده استفاده کنند، بند ۲ ماده ۸۲ قانون تأمین اجتماعی)

۷. حق استفاده از مرخصی بارداری ، این حق در ماده ۷۶ قانون کار پیش بینی شده است و در

مدت مرخصی اگر کارگر سابقه لازم برای پرداخت حق بیمه داشته باشد می تواند از کمک

بارداری استفاده کند. همچنین درباره امکانات مربوط به نگهداری از کودک کارگر زن و فرجه

شیردادن به او ضوابطی مقرر شده است (ماده ۷۸)

۸. حق کودکان برای محفوظ بودن از استثمار، هرچند برابر ماده ۷۹ قانون کار « به کارگماردن

افراد کمتر از ۱۵ سال تمام ممنوع است » و برای کارگران نوجوان (بین ۱۵ و ۱۸ سال)

مقررات حمایتی در نظر گرفته شده است اما این مقررات برای رویارویی با واقعیت های تلخ

اجتماعی و سوء استفاده از نیروی کار کودکان کافی نیست.^۴

اطلاعات آماری در ایران

• طبق اطلاعات آماری فقط ۱۲ درصد از زنان در بخش رسمی اقتصاد شاغل هستند که

تمرکز آنان در مشاغل معلمی، پرستاری و کارمندی است. به طور کلی زنان سرپرست

خانوار به خبش رسمی راهی ندارند . طبق اطلاعات آماری فقط ۱۵/۵ درصد این زنان کار

می کنند. از آنجا که اکثر این زنان تحصیلات بالایی ندارند، بیشتر در بخش غیر رسمی

فعال هستند. ایندسته از زنان در شهرها به مشاغلی چون کارهای منزل، کارگری ، کوره

آجر پزی، دست فروشی یا تکدی گری روی می آورند .

بیشتر این گونه زنان در بازار کار ثانویه با دستمزد و امنیت پایین اشتغال دارند. شرایط کار

نامساعد ، ساعات کار طولانی و نوع کار برای اکثر آنها شاق است.

• سهم زنان به عنوان نیروی کار کشاورزی ۴۰ درصد عنوان شده است.

^۴ منابع برای مطالعه درباره موازین بین المللی: حقوق بین المللی کار تألیف دکتر عزت الله عراقی، انتشارات دانشگاه تهران ، برای مطالعه درباره حقوق داخلی (به زبان ساده) : روابط کار و کارفرما تألیف دکتر عزت الله عراقی، نشر راهنما
برای آشنایی با قانون جدید کار، نگرشی بر قانون جدید کار تألیف دکتر سید محمد هاشمی انتشارات دانشگاه شهید بهشتی

دربخش خدمات زنان در ۳ گروه صنفی معلمان، ماماها و بهیاران و حسابداران متمرکز شده اند. این ۳ گروه ۹۵ درصد اشتغال زنان را در گروه مشاغل علمی، فنی و تخصصی به خود اختصاص داده اند. (به دلیل محدودیتهای نانوشته)

- تعداد زنان مدیر در دستگاههای دولتی (بدون احتساب آموزش و پرورش و نهادهای انقلابی) از ۹۰۸ نفر در سال ۷۶ به ۲۸۵۵ نفر در سال ۷۸ رسیده که این رقم رشدی بالغ بر ۳۰۰ درصد (۳ برابر) را نشان میدهد.
- تعداد مدیران زن دستگاههای دولتی بالغ بر ۳۰۲۹ نفر می باشد.
- زنان ۵/۵ درصد از پستهای مدیریت و سرپرستی دستگاههای دولتی را برعهده دارند.

سیاستهای اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران

این سیاستها توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۷۱ به تصویب رسیده است که شامل دستورالعملهای زیر است:

- توجه به نقش زن در خانواده
- اشتغال زنان در مناصب فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی
- همکاری اعضای خانواده با زنان جهت انجام مسئولیت های اجتماعی شان
- ایجاد شرایط وجو شایسته در محیط کار
- پیش بینی تسهیلات توسط سازمان اجرایی جهت اشتغال سودمند زنان در:
الف: مشاغلی که فقه برای زنان مقدم داشته است، مانند مامایی و برخی رشته های پزشکی و تدریس

ب : مشاغلی که مناسب با وضعیت جسمانی و روحی زنان است، مانند کار در رشته های

علوم آزمایشگاهی ، مهندسی الکترونیک، داروسازی ، مددکار اجتماعی و مترجمی

پ : مشاغلی که در آن هیچگونه برتری خاصی نسبت به داوطلبان زن یا مرد در نظر گرفته

نشده یا انتخاب شاغلان به نحوی طبیعی و طبق درجه تخصص و توان مهارتی داوطلبان

انجام گیرد نه به ملاحظه جنسیت آنان (همانند کارگر ساده و سایر بخش های فنی یا

خدماتی).

ت : مشاغلی که به لحاظ منع مذهبی یا شرایط سخت کاری یا به خاطر نظام ارزشی حاکم

(فرهنگی و اجتماعی) زنان به آن راهی نداشته باشند، همانند منصب قضاوت یا آتش

نشانی.

• تشویق متخصصان تحصیل کرده و زنان با تجربه در حیطة مدیریت و دیگر شغل های

اجرایی و اداری، با :

الف : فراهم کردن ملزومات گزینش مناسب رشته تحصیلی برای استخدام زنان در آینده.

ب : فراهم کردن تسهیلات لازم در جهت استفاده از توانایی های زنان متخصص ، باتجربه و

تحصیل کرده . به طوری که فعالیت اجتماعی آنان تحت الشعاع تلاش آنها در راه ایفای

نقش مهم خانوادگیشان قرار نگیرد.

• اشاعه مفهوم اشتغال زنان از طریق نظام اطلاعاتی کشور و رسانه های گروهی

• اطمینان از ارزیابی کار و حق الزحمه برابر با مردان

- اجرای مقرراتو کاربرد تسهیلات لازمدر مورد « وظیفه مادری » شامل مرخصی با حقوق، کاهش ساعت کار، مزایای بازنشستگی در سن جوانی، امنیت شغلی و مزایای بیکاری
- تقدم آموزش حرفه ای برای زنانی که از لحاظ اقتصادی و اجتماعی وضع نامساعدی دارند.
- ایجاد فرصتهای شغلی با ساعات کاری انعطاف پذیر برای زنان خانه دار
- دخالت دادن شورای فرهنگی واجتماعی بانوان در اجرای سیاست ها
- شورای فرهنگی و اجتماعی زنان تحت نظارت شورای عالی قرار داردو هدایت گر سیاست های فرهنگ ملی در رابطه با زنان است این شورا در فرآیند سیاستگذاری مشارکت فعال دارد.

شورای فوق بر تفاوت بین زن و مرد و تقسیم نیروی کار مبتنی بر طبیعت بین این دو جنس جهت همسویی آنان با سیاست های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران تأکید دارد. در عین حال از مسئولیت خود در زمینه مطالعه و حل مشکلات قابل ملاحظه زنان شاغل به خوبی مطلع است. این شورا به عنوان یک سازمان پیشرو که مسئولیت آن تحقق بخشیدن به خود کفایی اقتصادی همچنین توسعه اجتماعی و فرهنگی زنان است جهت نیل به اهداف زیر اهتمام می ورزد:

الف: مطالعه و تعریف مشکلات فرهنگی و اجتماعی زنان شاغل در محیط کاری و در اجتماعات بزرگتر

ب : چاره جویی برای مشکلات حقوقی، حرفه ای، بهداشتی و رفاه زنان شاغل

پ : تعریف و حل مشکلات زنان شاغل در رابطه با خانواده و تربیت و کودکان

تمرین ۱: ۲۴ ساعت روز

هدف: پی بردن به اهمیت کار بی مزد و موجب خانه داری در زندگی روزمره

مدت: ۴۵ دقیقه

۱- تعریف کردن:

در گروه‌های کوچک درباره تعریف کار تصمیم قاطع بگیرید و چندمثال بیاورید که با این تعریف سازگار باشد.

۲- تهیه فهرست:

به صورت فردی یادر گروه‌های کوچک یک روز راساعت مرور کنید و از شرکت کنندگان بخواهید که کارهایی را که در خلال آن ساعت انجام می دهند با صدای بلند اعلام کنند هر یک از این فعالیتها را تجزیه و تحلیل کنید:

- اگر با تعریف های گروه شما در مورد کار سازگار است یک علامت مثبت بگذارید.
- اگر با تعریف کار سازگار نیست یک علامت منها بگذارید
- برای فعالیتهایی که در موردشان اطمینان ندارید علامت سؤال بگذارید
- هر یک از فعالیتهای مندرج از فهرست را که زنان بابت آنها پول دریافت می کنند در دایره قرار دهید.

۳- تجزیه و تحلیل:

- در یک گروه بزرگ تعریفهایتان را در مورد کار با فهرستهای فعالیتها مقایسه کنید.
- چند درصد از اقلام فهرست شده را می توان با تعریف کار منطبق دانست؟

- چند درصد از اقلامی که در فهرستهای کار ذکر شده اند به عنوان کار بامزد در دایره قرار گرفته اند؟
- برای استخدام کردن کسی به منظور اجرای وظایفی که به منزله کار بی مزد در فهرستها ذکر شده اند چه مقدار هزینه برآورد می کنید؟
- آیا فهرست برداری از همه فعالیتهايتان در روز موجب شد که تعریفان را در مورد کار تغییر دهید؟
- آیا همه وظایفی که جزء کار طبقه بندی کرده اید نامطلوب یا دشوارند؟
- آیا همه فعالیتهایی که جزء غیر کار فهرست کرده اید خوشایند یا سرگرم کننده اند؟

تمرین ۲: زنان مزدبگیر در جامعه شما

هدف : ارزیابی تأثیر کار مزدبگیری بر زنان

مدت: ۷۵ دقیقه

۱- بحث کردن:

شرکت کنندگان را به گروههای کوچک تقسیم کنید و از آنها بخواهید که درباره پرسشهای زیر

به بحث بپردازند:

- آیا مادر یا مادربزرگتان بیرون از خانه کار می کردند؟ اگر آری ، چه عاملی آنان را وا می داشت که این کار را انجام دهند؟
- در مشاغلی که داشتند چگونه با آنان رفتار می شد؟ کارشان از چه جهاتی برایشان اهمیت داشت؟

- کارکردنشان تا چه حد بر شما و خانواده تان تأثیر می گذاشت؟
- همین پرسشها را تا چه حد می توان در مورد خودتان به کار برد؟

۲- بحث کردن:

از شرکت کنندگان بخواهید که درباره این پرسشها به بحث بپردازند و پاسخهایشان را ثبت

کنید:

- چه عواملی در جامعه شما زنان را بر می انگیزد که بیرون از خانه کار کنند.
- کدام عوامل جنبه مثبت دارند(مثلاً آموزش دیدن بهتر، یافتن فرصتهای تازه؟)
- کدام عوامل جنبه منفی دارند(مثلاً مشقت مالی ، همسر بیکار، بیوگی؟)
- برخی از پیامدهای کار بیرون از خانه برای دریافت مزد چیست؟ درمورد خانواده؟
- درمورد ازدواج؟ درمورد خودتان؟

حق انسانی زنان جوان و دختران

مقدمه

اسلام از همان سال های اول بعثت با وجود درگیری با دشمنان لجوج و غیر منطقی به مبارزه با عادات و رسوم و عقاید جاهلیت درمورد زنان پرداخت و ضمن شخصیت دادن به زنان به عنوان اعضای اصلی جامعه انسانی چالش بی امان خود را جهت کسب حقوق انسانی زنان ادامه داد. از همین روی در سال اول بعثت با لحنی تند و عتاب آمیز می فرماید « کسانی که دختران را زنده به گور می کنند مورد بازخواست واقع می شوند که آنان به کدامین گناه کشته شدند.»

خداوند زنان را نعمت بزرگ خداوند دانسته و به تدریج شروع به اصلاح باورها و افکار غلط نسبت به زن نموده و در کنار ابلاغ پیامهای انسانی وحی، پیامبر اکرم به طور عملی در زندگی شخصی و اجتماعی خویش شأن و کرامت ذاتی زنان و دختران را به نمایش می گذارد. به ویژه رفتار حضرت محمد (ص) با دختر بزرگوارشان فاطمه زهرا (س) مملو از احترام، محبت و عزت زائد اوصفی بود که عملاً به اصلاح الگوهای اجتماعی می پرداختند. کتاب آسمانی مسلمانان با تأکید بر آن که زن و مرد از نفس واحده ای خلق شده اند. هرگونه شبهه بوجود تفاوت ذاتی بین زن و مرد را مردود دانسته هردورا از حقوق انسانی یکسان بهره مند می داند. و همچنین درکنار تلاش در جهت تغییر باورهای مردم در خصوص مسئله دختران بر برخورد جدی با ساختار پدرسالارانه دوران جاهلیت از قبلی زنده به گور کردن دختران و شرم از تولد دختر پرداخته و مرتکبین را مشمول مجازات الهی می داند و مردان را دعوت به حسن معاشرت و برخورد نیکو با زنان می کند.

قرآن کریم با صحنه گذاشتن بر ارزش و اهمیت عمل و اعتقاد انسانها نقش جنسیت را در سنجش اعمال مردود می داند و می فرماید « خداوند عمل هیچ عاملی از شما را از زن و مرد ضایع نمی کند» یا « به پاس عمل صالحتان چه مرد و چه زن در حالی که مومن باشید وارد بهشت می شوید» و در جای دیگر اعلام می نماید که هرکس در گرو کسب و کار خویش است و این هرکس می تواند مرد یا زن باشد.

همچنین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عمدتاً بر اصل تساوی حقوق زن و مرد متکی است و هدف قوانین داخلی کشور نیز ارتقای حقوق زنان مردان است. اصل بیستم قانون اساسی صراحتاً اعلام می دارد: « همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند» و در اصل بیست و یکم تأکید می کند: « دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید.» و در ضمن « بر ایجاد زمینه های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او» تأکید دارد.

جمهوری اسلامی ایران نیز به پیروی از احکام اسلام تلاشهای زیادی در جهت رفع تبعیضها و بی عدالتیها در مسائل زنان نموده است و به توفیقات زیادی در این زمینه نائل آمده است اما هم به جهت حاکمیت برخی فرهنگی تبعیض آمیز و کلیشه ای که در بعضی قومیتها ریشه دیرینه ای دارد و محتاج صرف وقت طولانی جهت اصلاح فرهنگی است و هم به جهت رسوخ برخی باورها و برداشتهای خاص از معتقدات دینی که فقط به اسلام منتسب شده و پایه و اساس شرعی ندارد، نه تنها همچنان شاهد وجود فاصله های جنسیتی ناروا بین دختران و پسران هستیم بلکه بعضی قوانین داخلی نیز بوجود این

تبعیضها صحه می گذارد که البته قدمهایی در جهت اصلاح و ایجاد تغییر مثبت برداشته شده است که نیازمند حمایت و تلاشهای جدی تر است.

اهداف:

- متمایز کردن تفاتیهای زیستی و اجتماعی میان پسران و دختران
- شناخت تأثیر « ترجیح پسر» بر دختران و بحث درباره آن
- بازشناختن رسوم سنتی که ممکن است تأثیر زیان آوری بر زنان جوان و دختران داشته باشد.
- شناخت انواع خشونت علیه زنان جوان و دختران و پی بردن به تأثیر آنها بر قربانیان
- کسب اطلاعات در باره امور جنسی نوجوانان و راههای ارتقای حقوق انسانی زنان جوان و دختران در مورد مراقبتهای بهداشتی، زندگی خصوصی و مساوات
- پی بردن به نحوه های سوء استفاده از کار دختران، درخانه و درکارهای مربوط به بخش رسمی و غیر رسمی
- بحث درباره نقش اولیای امور، هم در تداوم بخشیدن به موارد سوء استفاده از حقوق انسانی زنان جوان و دختران و هم در مبارزه با آن موارد
- اندیشیدن تدبیرهایی که از طریق آن ها افراد، سازمانها ، و اولیای امور بتوانند حقوق انسانی زنان جوان و دختران را بهبود بخشند.
- شناخت قوانین داخلی و بین المللی در خصوص حقوق انسانی زنان جوان و دختران

شروع به حرکت: اندیشیدن درباره دوران کودکی

در بسیاری از فرهنگها، به دختران از خردسالی آموخته می شود که ساکت، منفعل و سخن پذیر باشند. در « طرح دانشگاه هاروارد در زمینه روان شناسی زنان » مراحل رشد و نمو دختران در نموداری ترسیم شده است. دختران تا ۱۰ سالگی، شروع می کنند به این که خود را به قالب « دختر کامل » درآورند، یعنی تصویری کامل از صفاتی باشند که والدین و معلمان بر آن ها ارج می نهند: مثل خانمها بودن، ساکت و فرمانبردار و خوب در مدرسه بودن، و همواره قشنگ و دلپذیر جلوه کردن .

والدین و معلمان مایلند که این تصویر ذهنی « دختر کامل » را تقویت کنند، تصویری که از یک فرهنگ تا فرهنگ دیگر متفاوت است اما تقریباً در همه جا به نوعی وجود دارد. جامعه پذیری تأثیر ماندگاری در توانایی دختران برای فعلیت بخشیدن به استعدادهای بالقوه خود و متحقق ساختن حقوق انسانیشان دارد. در برنامه عمل پکن چنین اشاره شده است: « دختران غالباً حقیر انگاشته می شوند و در تربیت اجتماعی این طور بار می آیند که خود را در مرحله آخر قرار می دهند، و به این ترتیب پایه های عزت نفس آنان سست می شود. تبعیض و بی توجهی در دوران کودکی می تواند نقطه شروعی باشد برای یک حرکت مارپیچی قهقراپی مادام العمر در جهت محرومیت و برکنار ماندن از سیر شتابان اجتماعی» (بند ۲۶۰).

از این رو، تفاوت پایگاه پسران و دختران در خانواده ها و اجتماعات را عموماً می توان به تفاوت های نگرشی نسبت داد نه به تفاوت های بیولوژیک. این تفاوتها غالباً از طریق نظامهای آموزشی رسمی و غیر رسمی که پسران را بر دختران ترجیح می دهند، استمرار و استحکام بیشتری می یابند . یک پژوهشگر که درباره « بارسنگین دختر بودن » در بسیاری از کشورها تحقیق کرده است، این طور اظهار عقیده می

کند: « تفاوت جنسیتی واقعی بیشتر به نحوه نگرش وابسته است و زیانش، همچون نژاد پرستی، به قدری عظیم و گسترده است که قابل سنجیدن نیست. جنس مثل رنگ، حادثه ای است مادرزاد، اما استحقاقها ساخته آدمیانند. مجموعه ای از ارزشها و انتظارات متفاوت و تبعیض آمیز در خورد دختران، و در نحوه نگهداری و پرورش آنان اعمال می شود. پسران، مثل مردان، از فضا و ارزش بیشتری برخوردارند:» این تفاوت از طریق فرایند بی توجهی نهان و آشکار به دختران پایدار و برقرار می ماند»

رجحان پسر و حق بقا

یکی از بنیادی ترین حقوق انسانی حق بقا است. بسیاری از دختران درست از همان لحظه ای که متولد می شوند با عرصه تنازع بقا مواجهند، و این مبارزه در سراسر چرخه زیست آنان ادامه دارد. جای بیش از ۶۰ میلیون کودک دختر خالی است، (یونیسف، پیشرفت ملل، نیویورک، ۱۹۹۷). در جمعیت‌هایی که با مساوات بیشتری با زنان رفتار می شود، در برابر هر ۱۰۰ مرد ۱۰۶ زن وجود دارد. تبعیض جنسی در جاهای آشکار می شود که نسبت جنس مذکر به جنس مونث معکوس باشد، مثلاً در چین و آسیای جنوبی و غربی، که در آنها در برابر هر ۱۰۰ مرد ۹۴ زن وجود دارد.

سوء استفاده از روش تعیین جنسیت جنین و سقط جنین گزینشی

همه آن زنان و دختران گمشده کجا هستند؟ برخی از جنین‌هایی که معلوم شد جنسیت دختر دارند سقط شدند هم در کشورهای گیشرفته و هم در کشورهای رو به پیشرفت، والدین با استفاده از روش تعیین جنسیت جنین و شیوه های دیگر به گزینش جنسیت اقدام می کنند. روش تعیین جنسیت جنین به پزشکان امکان می دهد که مایع آمینوتاک را که جنین در آن محصور است تجزیه و تحلیل کنند.

این شیوه کار به منظور کشف نابهنجاریهای جنینی یا سایر مسائل مربوط به آبستنی ابداع شد، اما از آن در تعیین جنسیت کودک نیز می توان استفاده کرد. پژوهشها نشان میدهند که زنان جنینهای مذکر را به ندرت سقط می کنند. حتی اگر نابهنجاری جنینی نیز در آن تشخیص داده شود، مثلاً، در تحقیقی راجع به استفاده از روش تعیین جنسیت جنین در هند، که بر پایه کاردر بیمارستان مبتنی بود، از طریق والدینی که از جنسیت جنین خبر داشتند معلوم شد که از هر هشت هزار جنین سقط شده فقط یک جنین متعلق به پسر بوده است.

رجحان پسر هنگامی آشکار می شود که زوجی قبلاً چنددختر داشته باشد. زوجی که قبلاً صاحب دختری شده باشد کمتر احتمال می رود که دختر دیگر را بپذیرد مثلاً در کره، در ازای هر ۱۰۰ نوزاد دختر، ۱۱۴ نوزاد پسر متولد می شوند. با چهارمین زایمان زن، این تعداد به ازای هر ۱۰۰ دختر به ۲۰۰ پسر افزایش می یابد.

کشتن نوزاد دختر

گمان می رود که در برخی از کشورهای روبه توسعه، نوزادکشی گریبان تعداد اندکی از نوزادان دختر را می گیرد، همانطور که رایکا کوماراسوامی (Radhika Coomaraswamy)، گزارشگر ویژه سازمان ملل در زمینه خشونت علیه زنان، اظهار نظر کرده است: «در فرهنگهایی که به پسران رجحان زیاده از حد داده می شود، کشتن نوزاد دختر راه حل نگران کننده ای است برای زنانی که به روش تعیین جنس جنین، سونوگرام، و سقط جنین دسترسی ندارند.»

مثلاً در یکی از تحقیقات در ناحیه دوردستی از بخش جنوبی هند، معلوم شد که ۸۵ درصد تمامی مرگ و میرهای نوزادان دختر در اثر نوزادکشی و معمولاً در فاصله هفت روز اول تولد صورت گرفته است.

در چین، نوزادان دختر در مقیاسی چنان وسیع غرق یا سر راه گذاشته می شوند که، بنابر پیش بینی دانشمندان علوم اجتماعی، مردان چینی ممکن است در ۲۰ سال آینده برای یافتن همسر گرفتار مشکل شوند.

مرگ و میر

در بسیاری از بخشهای جهان، نوزادان دختر در هنگام تولد و دختران به میزان بسیار جان خود را از دست می دهند. مثلاً در کولومبیا، در برابر ۱۰۰ مورد مرگ و میر دختران، فقط ۷۵ مورد مرگ و میر برای پسران اتفاق می افتد، در هائیتی، بین ۱۰۰۰ کودک ۲ تا ۵ ساله، ۶۱ دختر و ۴۸ پسر می میرند. این میزانهای مرگ و میر بالا در میان دختران را می توان ناشی از بی توجهی به دختران خردسال دانست. به احتمال زیاد، پسران از مراقبتهای بیشتر در زمینه ایمنی، تغذیه بهتر، و مراقبتهای بهداشتی مناسب تر برخوردارند، در حالی که والدین برای رساندن دختران به پزشک بیشتر این دست و آن دست می کنند تا در مورد پسران. بنابر تحقیق یونیسف، هر سال بیش از یک میلیون در اثر سوء تغذیه و بی بهره بودن از مواد پروتئینی نیروزا در دوران کودکی به کندی رشد دچارند. تحقیقات در بسیاری از کشورها نشان می دهند که دختران بیش از پسران به فشارهای روحی گرفتارند و میزان اقدام به خودکشی در مورد دختران به جهت آزارهای جسمی و روحی بیشتر است.

تحقیق درباره ترجیح فرزند پسر

ملاحظات اقتصادی و نقش نان آوری پسران در خانواده و وجود باور اینکه دختر در نهایت از آن خانواده پسر می شود. منجر به ترجیح فرزند پسر بردختر می شود و خانواده ها نقش پسران را در تأمین معاش خانواده بسیار مهمتر از کار بدون دستمزد دختران در کشاورزی و دامداری و یا خانه داری می دانند.

در ایران براساس تحقیقی که در استان سیستان و بلوچستان و کردستان صورت گرفته است اکثریت خانواده هایی که رجحانی برای پسران قائلند و معتقد به سرمایه گذاری روی پسرانشان هستند معتقدند که سواد و اشتغال و سرمایه گذاری بر ای دختران ضروری نیست و فایده چندانی ندارد چون دختران نهایتاً ازدواج کرده از چرخه خانواده خارج می شوند و همین موضوع موجب رجحان فرزند پسر بر دختر است. (تحقیقی با عنوان جایگاه زنان و دختران در جامعه سیستان و بلوچستان، دکتر سروستانی (۱۳۷۴)

پیمان نامه حقوق کودک

در ۱۹۵۹ سازمان ملل متحد اعلامیه حقوق کودک را صادر کرد، و استحقاق نوجوانان و جوانان را در برخورداری از تغذیه کافی، تحصیلات رایگان و مراقبتهای بهداشتی و نیز حقوق مربوط به منع بهره کشی و اعمال تبعیض آمیز، اعلام کرد. حمایت از حقوق کودکان در دهه ۱۹۸۰ افزایش یافت و در سال ۱۹۸۹ به امضای معاهده قانونی الزام آوری انجامید به نام **پیمان نامه حقوق کودک (CRC)** این معاهده درمقایسه با هر معاهده دیگری به تصویب بیشترین دولتهای عضو سازمان ملل رسیده است و همگی موافقت کرده اند که در مورد پیشرفت خود در زمینه اجرای پیمان نامه گزارشهای ادواری ارائه کنند. فقط دو کشور از تصویب پیمان نامه خودداری کرده اند: سومالی و ایالات متحده آمریکا. ایران نیز جزو کشورهایی است که به این پیمان نامه پیوسته و در سال ۱۳۷۳ رسماً سند الحاق مشروط خود را به دبیر کل سازمان ملل تسلیم کرد.

همه حقوق شامل حال همه کودکان می شود. « بی آن که تبعیضی درمیان باشد و نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، دین و عقاید سیاسی و سایر عقاید، منشأ ملی، قومی یا اجتماعی، دارایی، معلولیت یا موقعیت دیگر، والدین یا قیم قانونی او در نظر گرفته شود». (ماده ۲ پیمان نامه حقوق کودک)

برعهده دولت است که کودکان را از گزند هر گونه « تبعیض یا تنبیه براساس موقعیت، فعالیتها، عقاید، ابراز شده یا معتقدات، والدین، قیمهای قانونی، یا سایر اعضای خانواده» محافظ نماید (ماده ۲ پیمان نامه حقوق کودک)

پیمان نامه حقوق کودک چیزی را جایگزین می کند که به معیار « منافع عالیه کودک» شهرت دارد.

« درهمه اقدامهای مرتبط با کودکان، که توسط موسسه های رفاه اجتماعی خصوصی، دادگاهها، مقامهای اداری یا نهادهای قانونگذاری صورت می پذیرند، منافع عالیه کودک باید در اولویت قرار گیرند.» {ماده ۳ (۱)}

این گفته به معنی آن است که در هنگام گرفتن تصمیمهایی که بر کودکان اثر می گذارند، منافع آنان را باید در درجه اول اهمیت تلقی کرد، علاوه براین، به عقاید کودک باید احترام گذاشت. کودک در چه زمانی می تواند عقایدش را شکل و سامان بخشد؟ اکثر جوامع تقسیم چرخه زندگی به دوره کودکی و دوره بزرگسالی را پذیرفته اند. لیکن سنی که یک دوره پایان می یابد و دوره دیگر آغاز می شود، کشور به کشور متفاوت است.

کودکان در واقع، همیشه به بزرگسالان وابسته نیستند. گاهی اوقات بزرگسالان به آنان وابسته اند. مثلاً کودکان و به ویژه کودکان خردسال ممکن است از یک عضو معلول، بیمار یا سالمند خانواده مراقبت کنند و یا سهم بسزایی در درآمد خانواده داشته باشند.

منزلت دختران: رویارویی با حقایق

- دختران یک اقلیت عددی در جهانند و نسبت دختران به پسران همچنان رو به کاهش دارد.

- چهل درصد، یا بیشتر ، از کودکان در فقر زاده می شوند و با پیامدهای مربوط به دریافت مواد غذایی مواجهند. در بسیاری از کشورها، توزیع خوراک در خانواده در جهت مراعات نفع مردان و پسران صورت می گیرد، و زنان و دختران سهمی کمتر- هم از حیث کیفیت و هم از لحاظ کمیت - می برند.
- اگرچه سن ازدواج در سراسر جهان بالا رفته است، با این حال تخمین زده می شود که ازدواج زیر ۱۵ سال در آسیا ۱۸ درصد، در افریقا ۱۶ درصد، و در امریکای لاتین ۸ درصد تمامی ازدواجها را تشکیل می دهد. از سوی دیگر، پسران هنگامی ازدواج می کنند که کاملاً بزرگ شده باشند. درصد دختران ۱۵ تا ۱۹ ساله ای که ازدواج می کنند حتی در میان منطقه ها نیز به شدت متفاوت است: از ۱۰۰ درصد در اروپای شرقی، ۳۰ درصد در اروپای غربی و امریکای شمالی، ۳۰ درصد در آسیای شرقی، ۴۰ درصد در آسیای جنوبی، ۱۰ درصد در افریقای شمالی تا ۲۹ درصد در بخش جنوبی صحرای افریقا
- ازدواج زود هنگام به فرزند زایی کودکان می انجامد . درمورد زنان جوانی که فرزند می زانند احتمال بیشتری می رود که لطمه های وارد بر سلامتی را تجربه کنند. به علاوه ممکن است امیدهایشان برای تعلیم و تربیت و اشتغال نیز ضعیف تر شود.
- اگرچه امروزه تعداد تحصیل کردگان بیشتر است، در ۱۹۹۳ نزدیک به ۶۰ درصد از ۱۳۰ میلیون کودک بین ۶ تا ۱۱ ساله ای را که به مدرسه راه نداشتند دختران تشکیل می دادند . با این حال ، هنوز هم اختلاف سطوح درمناطق وجود دارد، چنان که در افریقا و آسیای جنوبی توجه کمتری به نیازهای دختران نسبت به تعلیم و تربیت می شود.

- در امریکای لاتین و ناحیه کارائیب، ۵۶ درصد دختران به دبیرستان راه دارند. این نسبت در مورد پسران فقط ۵۲ درصد است.
- تقریباً در تمام کشورها، دختران باری سنگین تر از بار کار پسران را بر دوش دارند و احتمالاً مزدی هم بابت کارشان دریافت نمی کنند.

آداب سنتی زیان بخش

والدین و فرهنگ حاکم بر جوامع ممکن است تا حدی بر آداب سنتی غلط خود تأکید ورزند که گاهی بر سلامت دختران آسیب برساند و در این مواقع، متأسفانه دختران نیز به جهت عدم وقوف بر حقوق خود و یا ناتوانی در برخورد صحیح و همچنین نداشتن حمایت کافی، مورد صدمات جدی واقع شده و حتی ممکن است به راههای انحرافی کشانده بشوند.

آداب سنتی بسیار محدود کننده، ازدواجهای تحمیلی و زودرس، فشارهای غیر منطقی خانواده ها، دیده و شنیده نشدن خواسته های دختران، مخارج بالای ازدواج و جهیزیه و ختنه دختران، از جمله این موارد است.

مقتضیات فرهنگی برای زیبا و «خواستنی» جلوه کردن زنان به پیدایش انواع رفتارهای گوناگونی انجامیده اند که تندرستی زنان را تهدید می کنند، رفتارهایی چون محکم بستن پا (برای کوچک ماندن) و مصرف مواد ناسالم برای سایه زدن بر چشم یا روشن کردن رنگ پوست که شاید موجب سرطان شوند. در جاهایی که زیبایی و جذابیت زنانه با شهوت انگیز بودن تمام عیار جسم سنجیده می شوند، ممکن است پرخوری و تغذیه اجباری برای دختران جوان لازم گردد. در کشورهای صنعتی، که معیار برای زیبایی زنان در آنها لاغر و قلمی بودن است. پرهیزهای خطرناک از خوردن غذا، و حتی بی اشتهاهایی ناشی از

عوامل روانی، و بیماری لاغری مفرط در بین زنان جوامع رواج دارد. از میان ۱۰۰ تا ۲۰۰ زن جوان در این جوامع، یک تن به بیماری بی اشتهايي و اختلال روانی مبتلا است که مشخصه اش میل به گرسنگی دادن به خویشتن است، که گاهی به مرگ می انجامد.

ازدواجهای زود هنگام بر تندرستی و استقلال میلیونها دختر جوان لطمه وارد می آورد ارچه قوانین ملی ممکن است ازدواج زود هنگام را منع کنند. با این حال شاید هنوز سنتهایی وجود داشته باشند که مقامهای رسمی بر اجرای آنها چشم فرو بندند. ازدواج زود هنگام تقریبا همیشه به تحصیل کردن خاتمه می دهد و به حاملگی و زایمان می انجامد بر طبق تحقیقات « سازمان جهانی بهداشت » (WHO) مرگ و میرهای ناشی از عوارض بارداری و زایمان بین دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله پنج برابر بیشتر از این گونه مرگو میرها در میان زنان ۲۰ تا ۲۴ ساله است.

این گونه آداب سنتی موجب پایمال شدن حقوق انسانی متعددی می گردند. از جمله حقوق بهره مند بودن از زندگی، حریم خلوت، آزادی تشکیل اجتماعات، آزادی بیان و عدم تبعیض، و نیز رهایی از خشونت و شکنجه. درعین حال ممکن است سنتهای زیان آور بر طبق قوانین ملی، منطقه ای و بین المللی، ممنوع شده باشند.

خشونت علیه دختران

« برخی از سنتها و رسوم- از قبیل ختنه دختران، ازدواج زود هنگام، و ازدواج اجباری- ممکن است صورتی از خشونت بر ضد دختران باشند. به علاوه، دختران در اثر عواملی چون جوان بودن، وجود فشارهای اجتماعی، فقدان قوانین حمایتی، یا ناتوانی برای اجرای قوانین، در برابر همه انواع خشونت- به ویژه خشونت جنسی، تجاوز به عنف، سوء استفاده جنسی، استثمار جنسی، خرید و فروش

غیر قانونی و احتمالاً فروش اعضاء و اندامهایشان، و کار اجباری- آسیب پذیرترند» (برنامه عمل پکن، بند

(۲۶۹)

خشونت جنسی

دختران سراسر جهان با آزار و خشونت جنسی در خانه، در مدرسه، و در خیابان مواجهند، و بخش اعظم تشکیلات دادگستری فاقد اختیار یا اراده سیاسی برای جلوگیری از چنین بدرفتاریهایی است. دامنه آزار دیدن دختران توسط پسران در مدارس مختلط از بگومگوهای بی ادبانه و توهین آمیز شروع می شود تا قرار گرفتن در معرض حمله های بدنی و تجاوز جنسی ادامه می یابد. مثلاً در یکی از پژوهشهای اخیر «انجمن امریکایی زنان دانشگاهی» (AAUM) معلوم شد که ۸۵ درصد دختران در امریکا از موارد وقوع مزاحمت های جنسی در مدارس گله دارند.

خشونت خانگی و آمیزش با محارم

دختران در خانه های خود نیز با خشونت مواجهند، « گزارشگر ویژه سازمان ملل در زمینه خشونت علیه زنان» میان شاهد بودن و چشیدن مستقیم طعم خشونت در کودکی و رفتار خشونت آمیز در بزرگسالی به وجود پیوندهایی پی برده است.

اگرچه از قوانین کیفری عام و خاص می توان در مورد خشونتهای خانگی استفاده کرد، اما این قوانین به ندرت به اجرا در می آیند، آمیزش با محارم، یعنی سوء استفاده جنسی از کودکان در درون خانواده، نوع خاصی از خشونت خانگی علیه کودکان به شمار می رود. قربانیان این نوع آمیزش هم از ضربه های شدید روانی رنج می برند و هم از دردها و ناراحتیهای جسمانی، از قبیل پارگیهای مقعدی و مهبل، عدم کنترل مثانه، بیماریهای مقاربتی، و بارداری زودهنگام در خردسالی، عارضه های روانی این امر در

دراز مدت به صورت مشکلات رفتاری و افسردگی شدید بروز می کنند. تعداد مراکز خدمات اجتماعی برای رسیدگی به قربانیان آمیزش با محارم، البته اگر وجود داشته باشند. بسیار ناچیز و انگشت شمار است.

درپیمان نامه حقوق کودک (ماده ۱۹) از دولتهایی که پیمان نامه را به تصویب رسانده اند، خواسته شده است که « همه اقدامات قانونی، اداری، اجتماعی، و آموزشی لازم و مقتضی را به عمل آورند تا از کودک در برابر همه شکل‌های خشونت جسمی یا ذهنی، صدمه یا سوء استفاده، بی توجهی یا سهل انگاری، بد رفتاری یا بهره کشی، از جمله بهره کشی جنسی، محافظت کنند.» تقریباً در قوانین همه کشورها آمیزش با محارم جرم کیفری شناخته شده است، اما فقط موارد معدودی از این جرم تحت پیگرد قانونی قرار می یگرد. خانواده هایی که این گونه آمیزشها در آنها رخ می دهند معمولاً تلاش می کنند که بر این راز سرپوش بگذارند. بزرگسالی که مرتکب این سوء استفاده جنسی می شود کودک را به ساکت ماندن تهدید می کند، و سخن کودکانی را که از این بابت حرفی می زنند کمتر کسی باور می کند. پلیس و دادیاران غالباً چندان مایل نیستند که بر اتهامات پافشاری کنند، و مدعیند که نمی توانند در زندگی خصوصی خانواده به « مداخله » پردازند. اگر هم اتهامات مطرح شوند در دستگاه قضایی بندرت از حقوق کودکان حمایت می شود. کودک با وادار شدن به دادن گواهی در طول محاکمه بی آن که قبل و بعد از دادن گواهی از کمک های مشاوره ای و حمایتی برخوردار باشد، ممکن است از نو به ضربه های روحی گرفتار آید. به سبب نارساییهای دستگاه قضایی و خدمات اجتماعی، آمیزش با محارم به صورتی یکی از نامرئی ترین انواع خشونت خانوادگی باقی مانده است که به دشواری می توان آن را با اسناد و مدارک به اثبات رساند.

تعریف بدرفتاری با کودکان

بدرفتاری با کودکان در چهارسته کلی جای می گیرد:

بی توجهی: کوتاهی دربرآوردن نیازهای اساسی کودک. بی توجهی ممکن است بدنی، تحصیلی، یا عاطفی باشد. بی توجهی بدنی عبارت است از کوتاهی در فراهم ساختن خوراک و پوشاک کافی، مراقبتهای پزشکی مناسب، سرپرستی، یا اقدامات مقتضی برای حفظ کودک از گزند آسیبهای طبیعی - که ممکن است شامل رها کردن کودک نیز باشد. بی توجهی تحصیلی عبارت است از کوتاهی در فراهم آوردن امکانات تحصیل مقتضی در مدرسه یا برآوردن نیازهای خاص آموزشی و ایجاد زمینه برای مدرسه گریزیهای بیش از حد. بی توجهی روانی عبارت است از فقدان عشق و علاقه و عدم حمایت عاطفی و کوتاهی در محافظت کودک از رفتارهای نادرست. از جمله ایجاد زمینه برای مشارکت کودک در مصرف مواد مخدر و الکل.

آزار جسمی: وارد آوردن آسیب جسمی بر کودک. این بد رفتاری ممکن است شامل سوزاندن، ضربه زدن، مشت کوبیدن، تکان دادن، لگد پراندن، کتک زدن، یا اعمال دیگری شود که بر کودک آسیبی وارد می آورند. چنین لطمه هایی را آزار نامند، خواه بزرگسال قصد آسیب رساندن داشته باشد و خواه نداشته باشد. مثلاً آسیب ممکن است ناشی از تأدیب بیش از حد یا تنبیه بدنی باشد که مقتضی سن و سال کودک نباشد.

آزار جنسی: رفتار نامناسب جنسی با کودک عبارت است از نوازش کردن غیر متعارف کودک و واداشتن کودک به رفتار متقابل با بزرگسال، مجامعت، آمیزش با محارم، تجاوز به عنف، لواط، عورت نمایی، و استثمار جنسی، این نوع رفتار متضمن مجبور ساختن، گول زدن، رشوه دادن، تهدید کردن یا

وارد آوردن فشار بر کودک برای متوجه کردن یا واداشتن وی به فعالیت جنسی است. آزار جنسی هنگامی روی می دهد که کودکی بزرگ تر یا آگاه تر یا فردی بزرگسال از یک کودک برای لذت جنسی استفاده کند. آزار جنسی نوعی سوء استفاده از قدرت در مورد کودکان و پایمال کردن حق کودک برای داشتن روابط به هنجار ، سالم و ساده دلانه است.

کودکان خیابانی

کودکان بی خانمان شهری یا « کودکان خیابانی» یا انبوهی از مشکلات گوناگون مواجهند . کودکان خیابانی که با تخمین محتاطانه رقم آنها در سطح جهان تا ۸۰ میلیون برآورد می گردد. تقریباً در همه کشورها یافت می شوند. در امریکا، تعداد کودکان بی خانمان بیش از یک میلیون برآورده شده است. (۵۰ درصد زنان و کودکان که در خیابانها بسر می برند کسانی هستند که از خشونت در خانه گریخته اند).

همه کودکان خیابانی فوق العاده در معرض خطر استثمار جنسی و مصرف مواد مخدر قرار دارند. آنان، برای امرار معاش، ناگزیرند بدترین کارها را انجام دهند: فرختن مواد مخدر، پخش هرزه نگاریهای روسپیگری ، گدایی، دزدی، کهنه فروشی و خرید و فروشهای جزئی.

برای وقوع اکثر جرمهای خیابانی غالباً کودکان خیابانی را سرزنش می کنند در حالی که شواهد آماری خلاف این امر را نشان می دهند. چنان که یکی از پژوهشگران اشاره کرده است، « وظیفه ای که دولت در قبال کودکان خیابانی برعهده گرفته است، جز در چند مورد استثنایی، کمتر در جهت منافع کودکان و بیشتر در جهت پاک کردن خیابانها از وجود آنان است.»

کار کودک

از کار دختران، هم در خانه و هم در محل کار، غالباً سوء استفاده می شود. بنابراین اظهار نظر (صندوق کودکان سازمان ملل) UNICEF، « کار کودک در کشورهای صنعتی غالباً از نظر پوشیده می ماند زیرا کار در این کشورها، مثل هر جای دیگر، جزئی از فرهنگ اصلی بشمار می رود، مثلاً، در جایی که مادران در بیرون از خانه به کار مشغولند تا زندگی خانواده را تأمین کنند یادر تلاش برای بهبود قدرت یادگیری خود به کلاسهای می روند، دختران خانواده به عنوان مراقبان تقریباً تمام وقت خواهران یا برادران کوچکترشان گماشته می شوند.»

در سراسر جهان، خانواده ها و جوامع دختران را از حق تفریح و فراغت محروم می کنند: پسران، در هر سنی و در هر فرهنگی، برای بازی، تحصیل علم، ورزش، تفکر، و پروراندن شخصیت خویش وقت بیشتری دارند.

فقر و عرف در برخی از کشورها طبقه ای از خانه داران خردسال را بوجود آورده است، اینان دخترانی هستند که برای خانواده های شهری فرستاده می شوند تا به صورت خدمتکار مشغول کار گردند. یونیسف تخمین یم زند که -/۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰ کودک که اکثرشان دخترند، بخشی از نیروی کار خانگی را فقط در دهلی نو تشکیل می دهند.

حقایق چنددر باره کار کودک

- در کشورهای رو به توسعه، ۲۵۰ میلیون کودک ۵ تا ۱۴ ساله در ازای دریافت مزد کار می کنند. از این عده، ۱۲۰ میلیون نفر به کار تمام وقت مشغولند.

- درمیان کودکانی که به مدرسه می روند ۳۳ درصد از پسران و ۴۲ درصد از دختران به کار نیمه وقت در فعالیتهای اقتصادی مشغولند.
- به طور متوسط، دختران ساعتهای طولانی تری کار می کنند و مزدی کمتر از پسران، در ازای کار یکسان، دریافت می دارند.
- دختران نخستین کسانی هستند که دست از مدرسه می کشند تا به سرکار روند و معاش خانواده هایشان را تأمین کنند. هرگاه تعلیم و تربیت به بخش خصوصی واگذار شود و قرار باشد میان تحصیل پسر و تحصیل دختر انتخاب صورت گیرد، معمولاً پسر در مدرسه می ماند.
- بالاترین نسبتهای مربوط به مشارکت دختران در نیروی کار عبارتند از ۲۰ درصد در بخش جنوبی صحرای افریقا، آسیای شرقی، و اقیانوسیه، و سپس ۱۲ درصد در آسیای جنوبی. لیکن فعالیت اقتصادی زنانه، به سبب ماهیت و نوع کاری که دختران انجام می دهند. احتمالاً کمتر در محاسبه منظور می شود: مراقبت از کودک، گردآوری مواد سوختنی و آوردن آب و تهیه خوراک « کار» به شمار نمی آیند بلکه وظیفه اختصاصی زنانه محسوب می شوند. دختران در بخشهایی چون کشاورزی، ماهیگیری، و جنگلداری، تولید صنعتی (از قبیل قالی بافی) و خدمات اجتماعی و شخصی (از قبیل کارهای خانگی) متمرکزند.
- براساس تحقیقی که در جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است ۲۶٪ والدین دلیل نفرستادن دختران خود را به مدرسه نیاز به اودر کار خانه از جمله کمک به خانه داری و نگهداری بچه های کوچکتر یا آوردن هیزم آب دانسته اند و ۲۵٪ نیز اعلام داشته اند چون

به او در مزرعه خانوادگی نیاز دارند یا او مواظب گله است یا به کارهای دستی اشغال دارد (تحقیقی در موانع دسترسی دختران برآموزش ابتدایی در استانهای کردستان، هرمزگان و کهگیلویه و بویر احمد، معاونت آموزشی وزرات آموزش و پرورش ، ۱۳۷۵).

نقش اولیای امور

از آنجا که همه دولتهای عضو سازمان ملل، جز دو دولت، CRC را به تصویب رسانده اند، نخستین وظیفه حکومتها باید پای بندی به تعهدشان در اجرای مفاد این پیمان نامه باشد. مسئولان حکومت و جامعه و رسانه های گروهی می توانند در حمایت از حقوق انسانی دختران یا ایجاد مانع و مزاحم در راه آنها نقشی هم مستقیم و هم غیر مستقیم ایفا کنند. حکومتها، بسته به عمل یا بی عملی خود، در این موارد مسئولند.

هرجا که دسته ها و گروههای خصوصی (نقش آفرینان غیر دولتی) در حقوق انسانی دختران مداخله یا ایجاد مزاحمت کنند، دولتها باید « جدو جهد مقتضی» در پرداختن به این مسئله از خود نشان دهند به عبارت دیگر، دولت باید بر طبق قوانین محلی گامهای فعالی بردارد تا دست اندرکاران بخش خصوصی را که احياناً مرتکب سوء استفاده می شوند بر سر جای خود نشاند، تحت تعقیب قرار دهد، و به مجازات رساند. به منظور حمایت از حقوق دختران، دولتها باید اقداماتی به عمل آورند تا رسومی چون ختنه دختران (FGM) ، ازدواج اجباری، و آداب سنتی دیگری را که به دختران آسیب می رسانند ریشه کن سازند. دولتها همچنین می توانند محتوای نظام آموزشی خود را ارزیابی کنند، فعالیتهایی در زمینه آموزشهایی که موجود نیست آغاز کنند، و فرصتهایی برای دختران بوجود آورند تا به ورزش پردازند و در کلاسهای فنی مورد علاقه خود شرکت جویند.

برنامه های مثبت برای حقوق انسانی دختران

- تا آوریل ۱۹۸۹، ۱۹۱ کشور پیمان نامه حقوق کودک را تصویب کرده بودند. فقط دوکشور – سومالی و امریکا- از تصویب آن خودداری کرده اند.
- آزمون ژنتیک برای انتخاب جنس فرزند در هند، برطبق مقررات سال ۱۹۹۴ و « لایحه جلوگیری از سوء استفاده» در چین از ۱۹۹۵ رسماً ممنوع شده است.
- مجمع هفت نفره موسوم به « انجمن آسیای جنوبی برای همکاری منطقه ای» سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۰ را دهه « دختر بچه » اعلام کرده و برنامه هایی برای بالابردن سن ازدواج تدارک دیده و مراقبتهای بهداشتی و خدمات دیگری را برای دختران در نظر گرفته است.
- کشورهای افریقایی، از طریق « سازمان وحدت آفریقا» در سال ۱۹۹۰ منشور افریقایی مربوط به حقوق و رفاه کودک را – با تأکید بر دختران – به تصویب رساندند.
- در ۱۹۹۶، ANA یک گروه زنان رومانیایی، فعالیت تبلیغی را در زمینه مطالب آموزشی غیر جنسیتی در کتابهای درسی دولتی آغاز کرد.
- انتشار « ماه نو» مجله ای بین المللی به قلم و درباره دختران، در ۱۹۹۲ آغاز شد و به نهضتی به نام « ماه نو» انجامید که تصویر های مثبتی از دختران را ترویج می کند.
- سه نهاد وابسته به سازمان ملل – (صندوق کودکان سازمان ملل متحد) UNICEF ، (سازمان جهانی بهداشت)، WHO ، و (سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد) UNESCO – با همکاری بیش از ۳۰۰ سازمان غیر دولتی، فعالیت آموزش همگانی

عمده ای را در مورد بهداشت و تندرستی کودکان به نام « حقایق برای زندگی » آغاز کرده اند.

رویارویی با حقایق درج ۱.۱

- با وجود رشد آمار داخلی در خصوص آموزش دختران و پیشرفت قابل توجه آنان در زمینه های تحصیلی همچنان شاهد محرومیت دختران در مناطق روستایی و محروم کشورمان می باشیم. براساس تحقیقی در استان سیستان و بلوچستان فقط ۴/۸۱ زنان در سطح استان با سواد هستند و برطبق سرشماری سال ۷۵ تنها ۱۵/۴ دختران به سطح راهنمایی و ۶/۱ به دبیرستان راه می یابند. (دکتر رحمت اله صدیق سروستانی ۱۳۷۵ دانشکده علوم

اجتماعی دانشگاه تهران

- با وجود بالا رفتن سطح تغذیه عمومی همچنان ۱۶/۳٪ از دختران و ۱۵٪ از پسران دچار سوء تغذیه هستند.
- دختران نسبت به پسران هم سن خود تسهیلات ورزشی و هنری و آموزشی کمتری برخوردارند.
- تعدد دخترانی که در خانه یا برای کسب درآمد مشغول به کار هستند دوبرابر پسران است.
- اصل ۳۰ قانون اساسی تصریح دارد که ، دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

- ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی: ازدواج قبل از بلوغ ممنوع است و در ادامه اضافه می شود که ازدواج شخص صغیر با اجازه ولی وی در صورتی که مصالح کودک در نظر گرفته شده باشد بلامانع است.
- قانون مدنی، نفقه کودک شامل مسکن، لباس، غذا و اثاث خانه را به عهده فردی که حضانت کودک برعهده اوست می داند.
- ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی: نگهداری فرزند هم حق و هم مسئولیت والدین است.
- طبق ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی، مسئولیت جزایی دختران، شش سال زودتر از پسران شروع می شود. چرا که حد بلوغ شرعی ملاک مکلف بودن است).
- امروزه درمورد سن تکلیف و بلوغ شرعی دختران نظرات متفاوتی از سوی علمای دینی مطرح شده است و احتمال انطباق آن با شرایط کنونی و همچنین جغرافیایی می رود.
- تبصره ماده ۱۸ قانون مبارزه با مواد مخدر به مقامات قضایی اجازه می دهد تا سوء استفاده کنندگان از کودکان در این زمینه را به شدید ترین وجه مجازات کنند و درمورد ممنوعیت تجارت کودکان یا بهره کشی غیر قانونی از آنان صراحت دارد و مجازاتهای شدیدی رای متخلفین در نظر گرفته است.

برنامه های مثبت برای حقوق انسانی دختران در

جمهوری اسلامی ایران

- افزایش بهره مندی کودکان سنین ۱۰-۶ از آموزشهای رسمی ۹۸/۷ درصد برای پسران و ۹۵/۸ درصد برای دختران در سال ۷۸
- در سال ۱۳۷۹، ۶۲ درصد پذیرفته شدگان دانشگاه کشور را دختران تشکیل می دهند.
- اقدام به عمل در خصوص بهسازی سیمای زن در کتابهای درسی
- گسترش و توسعه باشگاهها و آموزشگاههای ویژه دختران روستایی
- ارتقای مدارس فنی و حرفه ای و کار و دانش خاص دختران به ۶۲۷ عدد در سال ۷۸
- تشکیل اداره خاص جهت توجه و گسترش هرچه بیشتر ورزش دختران در آموزش و پرورش
- اجرای طرح بهداشت بلوغ در مدارس کشور و توسعه این طرح برای سالهای آتی
- ارتقای آگاهیهای عمومی در خصوص مسائل دختران از جمله :
برگزاری دوکارگاه آموزشی برای سلامت دختران نوجوان و جوان در سال ۷۶
برگزاری دوکارگاه برای سلامت بلوغ دختران در سالهای ۷۶ و ۷۷
برگزاری سمینار در مورد پیشگیری از کودک آزاری توسط سازمان بهزیستی و یونیسف در سال ۷۷
برگزاری سمینار کودکان خیابانی به منظور دستیابی به راهکارهای مبارزه با این پدیده و حمایت از کودکان خیابانی سال ۷۷

برگزاری همایش تواناسازی دختران روستایی در مشارکتهای اجتماعی با هدف جلب نظر

مسئولین به نیازها و خواسته های این قشر در سال ۷۶

• انجام تحقیقات گسترده در ۱۸ استان کشور پیرامون مسایل دخترچپه ها جهت شناسایی و

رفع معضلات موجود توسط واحد توسعه فعالیتهای زنان روستایی وزارت کشاورزی

• پایین آمدن نرخ رشد جمعیت به کمتر از ۱/۵ درصد در سال ۷۵ که خود بر رشد شرایط

مثبت برای دختران تأثیرگذار است

• بالارفتن سطح بهداشت عمومی باروری که بر سلامت مادران جوان تأثیر به سزایی داشته

است.

حق انسانی زنان در مورد رهایی از خشونت

مقدمه

زنان قطع نظر از این که در کجا زندگی می کنند و چه موقع و مقامی داشته باشند در معرض خشونتند. مثلاً زنان با هر پیشینه و موقعیتی ممکن است از جانب خویشاوندان مذکر در خانه طعم خشونت را بچشند و در مواقع جنگ و نزاع، زنان غالباً از همه سو مورد تجاوز، ضرب و شتم و یا سایر حمله های جنسی مردان قرار گیرند. زنان همچنین ممکن است قربانی خشونت در جاهایی شوند که در آنها حکومت یا حزب حاکم اعضای گروههای مخالف یا اقلیت را آزار دهد. بازداشت کند، کتک بزند، یا شکنجه دهد.

در زندان یا در بازداشتگاه یادر سایر محیطهای سازمانی از قبیل بیمارستانها، زنان با صورتهای خاصی از بدرفتاری مواجهند که دست کم تا حدی با جنسیت آنان ارتباط دارد. چنانکه در برنامه عمل پکن (بند ۱۲) اذعان شده است « خشونت علیه زنان موجب می شود که برخورداری از حقوق انسانی و آزادیهای اساسیشان هم پایمال شود و هم ضعیف یا منتفی گردد.»

همه این صورتهای خشونت سبب می شوند که بر سر راه مشارکت کامل زنان در جامعه، در اشتغال یا در فعالیتهای درآمدزای دیگر، در فعالیتهای سیاسی و انتخاباتی و در نتیجه برسر راه برخورداری از حقوق شهروندی، استفاده از برنامه های تنظیم خانواده و بهره مندی از حقوق مربوط به باروری، و بر سر راه تعلیم و تربیت و شکوفایی کامل استعدادها و شخصیت ایشان موانعی پدید آید.

اهداف

- تعریف و تعیین شکلهای گوناگون خشونت علیه زنان
- ادعان به اینکه همه شکلهای خشونت علیه زنان مواردی از پایمال کردن حقوق بشر به شمار می رود. خواه در کشمکشهای مسلحانه روی دهندو خواه در خیابان، خانه، محل کار یادر بازداشتگاه ، زندان یا سایر محیطهای سازمانی
- تعیین نقش حکومتها، هیأتهای حقوق بشر سازمان ملل متحد، رهبران اجتماع، رسانه های گروهی و خود زنان در عنوان کردن موضوع خشونت علیه زنان و ریشه کن ساختن آن
- کندوکاو در باره تأثیر کشمکشهای مسلحانه بر زنان و تشخیص راههای مقابله با خشونت علیه زنان در موقعیت های کشمکش و تعارض
- ابداع راههایی برای پیشگیری از خشونت علیه زنان در جامعه خودتان

شروع به حرکت: شناختن خشونت علیه زنان

زنان انواع گوناگون خشونت را در سرتاسر چرخه زندگی خود تجربه می کنند. در دوره نوزادی به دلیل متولد شدن در جامعه ای که به دختران به اندازه پسران ارج نمی نهند ، ممکن است کشته یا دچار سوء تغذیه شوند، به عنوان دختر ممکن است مورد سوء استفاده جنسی قرار گیرند. در بسیاری از جوامع دختران پیش از آنکه جسمشان کاملاً پرورده شود مجبور به ازدواج و زایمان می شوندو در نتیجه ممکن است به آسیبهای شدید جسمی گرفتار آیند. به عنوان زن و دختر ممکن است در معرض تجاوز به عنف، خشونت های خانگی و مزاحمتهای جنسی قرار گیرند. معلوم شده است که خشونت در دوره بارداری یکی از علل عمده سقط جنین یا به دنیا آمدن کودکانی است که کمبود وزن دارند.

زنان نه تنها در مراحل مختلف زندگی طعم خشونت را می چشند بلکه خشونت را بنا بر طبقه، شغل، نژاد، یا سایر موقعیتهایشان به نحوه های گوناگون تجربه می کنند. زنان مهاجر به دلیل موقعیت حاشیه نشینی خود آسی پذیرترند و از همسران یا کارفرمایان خشونت می بینند. زنان فقیر و زنان بومی خشونت را در دستهای پلیس، مقامهای رسمی حکومت یا مردانی از جوامع مسلط تر احساسا می کنند. زنان معلول و مسن نیز ممکن است آماجهای خاص برای خشونت باشند.

رسوم سنتی نیز ممکن است موجب خشونت هایی بر ضد زنان شوند. حقوق انسانی زنان در مورد بهره مندی از تندرستی و بهداشت در اثر آداب و رسومی که در برخی از جوامع وجود دارند پایمال می گردد. از جمله رسم سنتی ختنه کردن (FGM) که شاید لطمه شدیدی بر سلامت زنان و دختران وارد آورد. بد رفتاریهای مرتبط با جهیزیه نیز در برخی جوامع معمول است (زنی که خانواده اش نتواند از عهده برآوردن تقاضاهای شوهرش در مورد پول و کالا بر آید ممکن است آزار ببیند یا حتی کشته شود).

فقر صورتی از خشونت ساختاری است که به عبارت دیگر شرایط فقر از جمله فقدان مراقبتهای بهداشتی و خوراک کافی و تغذیه مناسب - نظامی ظالمانه را تداوم می بخشد. زنان و کودکان از آنجا که احتمال فقیر بودنشان بیشتر است بیشتر نیز احتمال می رود که قربانیان این گونه فقر ساختاری می باشند.

شکلهای خشونت در سرتاسر جهان

- کتک خوردن شدید بزرگترین علت آسیب دیدگی درمیان زنان آمریکا است، و دفعات استفاده از بخش فوریتهای پزشکی در این مورد (متجاوز از یک میلیون بار در هر سال)

بیش از دفعات استفاده از این بخش در موارد سوانح اتومبیل، کیف زنی، و تجاوز جنسی بر روی هم است.

- دریاپوئا، گینه جدید، ۶۷ درصد زنان روستایی و ۵۶ درصد زنان شهری قربانیان خشونت خانگی بوده اند.

- یک بررسی سیستم مراقبت سه ماهه در اسکندریه مصر نشان داد که خشونت خانگی علت عمده آسیب دیدگی زنان است، و ۲۷/۹ درصد همه مراجعات زنان به واحدهای مربوط به ضرب دیدگیها را تشکیل می دهد.

- با مشاهده یک نمونه تصادفی متشکل از ۱۵۰ زن در ترونهیم نروژ، معلوم شد که ۲۵ درصد آنان مورد بد رفتاری جسمی یا جنسی مردان قرار گرفته اند.

- در زایشگاهی در لیما، پایتخت پرو، ۹۰ درصد مادران ۱۲ تا ۱۶ ساله مورد تجاوز پدران، ناپدریها، یا خویشاوندان نزدیک خود قرار گرفته بودند.

- پژوهشی در باربادوس نشان داد که از هر سه زن یک نفر در دوره کودکی یا نوجوانی در معرض سوء استفاده جنسی واقع شده است.

- اسید پاشی برای خراب کردن چهره زنان در بنگلادش چنان متداول است که در قانون جزا بخش ویژه ای به آن تخصیص داده شده است.

- در هند، ۶۲۰۰ مورد مرگ و میر در ارتباط با جهیزیه در سال ۱۹۹۴ گزارش داده شد، یعنی به طور متوسط روزانه ۱۷ زن ازدواج کرده ای که خانواده هایشان از عهده پرداخت جهیزیه به خانواده شوهر بر نیامده بودند کشته شدند.

- در کاستاریکا، گزارش داده شد که ۴۹ درصد از یک گروه ۸۰ نفری زنان کتک خورده در دوره بارداری کتک خورده اند، ۷/۹ درصد از این عده جنین خود را سقط کرده اند.
- احتمال بیشتری می رود که زنان بیش از مردان قربانی بد رفتاری بزرگتران شوند. بیش از یک میلیون زن ۶۵ ساله و بالاتر در امریکا هر ساله قربانی بد رفتاری و خشونت می شوند.

اعلامیه سازمان ملل متحد درباره رفع خشونت علیه زنان

در ۱۹۹۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد اعلامیه رفع خشونت علیه زنان را تصویب کرد (قطعنامه ۴۸/۱۰۴ مجمع عمومی به تاریخ ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳) در این سند خشونت علیه زنان در معنایی گسترده این گونه تعریف شده است:

«ماده ۱: اصطلاح خشونت علیه زنان به معنی خشونت آمیزی است که بر اختلاف جنسیت مبتنی باشد و به آسیب یا رنج بدنی، جنسی یا روانی برای زنان بی انجامد یا احتمال منجر شدن آن به این نوع آسیبه‌ها و رنجه‌ها وجود داشته باشد، از جمله تهدید به این گونه اعمال، زورگویی، یا محروم سازی خودسرانه از آزادی، خواه در زندگی عمومی و خواه در زندگی خصوصی».

ماده ۲: خشونت علیه زنان را باید طوری استنباط کرد که موارد زیر رادر بر می گیرد، اما محدود به این موارد هم نیست:

(الف): خشونت های جسمی، جنسی، و روانی که در خانواده روی می دهند، از جمله کتک زدن، سوء استفاده جنسی از فرزندان اناث خانواده، خشونت‌های مرتبط با جهیزیه، ختنه دختران و سایر رسم‌های زیان آور برای زنان، خشونت‌هایی توسط غیر همسر در ارتباط با سوء استفاده با بهره کشی و...

(ب) : خشونت‌های جسمی ، جنسی، و روانی که در اجتماع روی می دهند از جمله تجاوز به عنف ، سوء استفاده جنسی، مزاحمت جنسی و ایجاد ارعاب در محیط کار و موسسه های آموزشی و در هر جای دیگر. خرید و فروش زنان به صورت قاچاق ، و روسپیگری اجباری .

(پ) : خشونت‌های جسمی، جنسی، و روانی که دولت مرتکب می شود یا از آنها اغماض می کند، هر جا که روی دهند، به بیان دیگر دولت باید مسئول خشونت‌هایی باشد که هم از اقداماتش و هم از خودداریش در اقدام (فعل و ترک فعل) ناشی می شوند.

الف: در اعلامیه این نکته ها طرح شده اند:

- تعریفی روشن و جامع درباره خشونت علیه زنان
- اصول حقوق انسانی که در آنها رفع همه انواع خشونت علیه زنان مطرح شده است.
- تعهد دولت‌ها در ارتباط با مسئولیت‌هایشان
- تعهد جامعه بین المللی در جهت رفع خشونت علیه زنان

ب : اعلامیه مشخصاً دولت‌ها را مسئول استفاده از همه وسایل ممکن و کافی برای رفع همه اعمال خشونت آمیز علیه زنان می داند، و دونوع مسئولیت برای دولت ذکر می کند:

- (۱) مسئولیت خشونتی که مأموران دولتی مرتکب می شوند و
- (۲) مسئولیت خشونتی که کسان دیگری مرتکب می شوند و مأموران دولت واکنش مناسب در برابر آن نشان نمی دهند.

ت : به دولت‌ها هشدار داده شده است که به دلیل برخی ملاحظات در اقدام کردن سستی به خرج ندهند.

ج : اعلامیه همچنین توصیه می کند که دولتهای عضو در فکر پدید آوردن طرحهای اقدام ملی برای محافظت زنان از خشونت باشند یا این مفاد و شروط را در طرحهای خود بگنجانند. در اجرای این کار دولتها باید به تجربه های سازمانهای غیر دولتی بخصوص آنهایی که در زمینه خشونت علیه زنان فعال بوده اند، نظر داشته باشند. در پرداختن به اقدامهای پیشگیرانه به دولتها هشدار داده شده که مواظب باشند که با تصویب قوانین و پذیرفتن آداب و رسومی که با نگاه حساس به مسئله جنسیت نمی نگرند موجب قربانی شدن هرچه بیشتر زنان نشوند.

چ : اولیای امور دولت تشویق شده اند که برای همه مأموران رسمی مسئول پیشگیری، پژوهش، دادرسیهای کیفری و مجازات خشونت علیه زنان، دوره هایی آموزشی در زمینه رفع خشونت علیه زنان برگزار کنند و زنان مجربی که نظر حساسی به مسئله جنسیت دارند عهده دار این دوره های آموزشی شوند. ۱

ج : در اعلامیه از دولتها دعوت شده است که به منظور اعتراض به الگوهای مربوط به رفتار مردان و زنان و خشونت در خانه و خیابانها، برنامه هایی در مدارس دولتی در همه سطوح ترتیب دهند.

زنان در موقعیتهای درگیری و کشمکش

موانع حقوق بشر و موارد نقض آشکار آنها در جنگ عبارتند از: «شکنجه و رفتار یا مجازات بی رحمانه، غیر انسانی، و توهین آمیز، اعدامهای شتابزده یا خودسرانه، بازداشتهای خودسرانه، همه صورتهای

^۱ از جمله دوره های آموزشی مشابه می توان به همکاری قوه قضائیه و یونیسف در زمینه آموزش دادرسی اطفال و نوجوانان به قضات سراسر

نژادپرستی و تبعیض نژادی، اشغال سرزمینها توسط قوای بیگانه و سلطه اجنبی، بیگانه ستیزی، فقر، گرسنگی، محرومیت‌های دیگر از حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی، نابردباری یا عدم مدارای مذهبی، هراس افکنی، تبعیض علیه زنان، و عدم حاکمیت قانون» (برنامه عمل پکن، ۱۱۳). غیر نظامیان، به ویژه زنان و کودکان، سالخورده‌گان، و معلولان غالباً در مواقع جنگ و نزاع قربانیان خشونت‌هایی هستند که دامنه شان از جنگ‌های جهانی یا داخلی تا موارد نقض حقوق بشر (همراه با حمایت دولت یا اغماض دولت) علیه اقلیت‌های سیاسی، نژادی، قومی، ملی، یا مذهبی گسترده است.

حکومت، شبه نظامیان و سایر مخالفان، معمولاً زنان را به سبب وابستگی‌های قومی، ملی، مذهبی، نژادی و یا سیاسی مختلفی که دارند هدف خشونت قرار می‌دهند. اما در این میان عالمی هم وجود دارد که با جنسیت مرتبط است. زنان غالباً در مواقع کشمکش گرفتار بد رفتاریها و عواقبی می‌شوند که با آنچه بر سر همتایان مذکرشان می‌آید فرق دارد. مثلاً در طول تاریخ همواره سربازان زنان رادر جنگ مود تجاوز جنسی قرار داده اند. تجاوزهای دسته جمعی به زنان در سالهای اخیر در کشورهای مختلفی از قبیل بوسنی، کامبوج، هائیتی، پرو، سومالی، و اوگاندا با اسناد و مدارک به اثبات رسیده اند. اگرچه گاهی اوقات مردان نیز طعم تجاوز و خشونت جنسی را می‌چشند، اما به خصوص زنان آماج این نوع خشونتند، و غالباً این راهی برای تحقیر کردن و به شکست کشاندن مردان آن‌ج-امعه است. علاوه بر رفتار یکایک سربازان، که لزوماً برنامه ریزی شده نیست اما معمولاً بادیده اغماض نگریسته می‌شود، تجاوز به عنف و خشونت جنسی ممکن است بخشی از راهبرد برنامه ریزی شده برای به هراس افکندن جمعیت نیز باشد. به علاوه، هنگامی که زنان در ضمن بازجویی و حبس هم در زمان جنگ و هم در زمان صلح شکنجه می‌شوند، ممکن است شکنجه از نوع جنسی هم باشد.

زنان ، علاوه بر مقابله با خشونت مستقیمی که بر خودشان وارد می آید، باید به خشونت هایی که با عزیزان، شوهران، والدین، و فرزندانشان می شود نیز رسیدگی کنند. هنگامی که مردان مورد حمله قرار می گیرند یا زندانی می شوند، زنان همواره تنها می مانند و ناگزیرند که مراقبت از خانواده هایشان را برعهده گیرند و برای رهایی اعضای ذکور خانواده اقدام کنند. ترس از خشونت تأثیر مستقیم و خاصی نیز بر زنان دارد مثلاً ترس از تجاوز جنسی و ترس از گرفتار آمدن در مهلکه ممکن است زنان را وادارد که در خانه بمانند یا به مخفی گاه روند. ترس از خشونت توانایی زنان را برای رفتن به محل کار، پرداختن به کار در مزارع، خرید کردن از فروشگاهها، یا ایستادن در صف کمکهای انسان دوستانه محدود می سازد. در مورد زنان بچه دار، ترس از خشونت موجب می شود که آنان به سبب مراقبت از رفت و آمد فرزندان گرفتار فشار روحی مداوم شوند. و گاه ناگزیرند که بچه ها را در خانه محبوس کنند یا حتی به مخفی گاه ببرند.

موقعیتهای کشمکش و درگیری ممکن است سطح خشونت خانگی علیه زنان را نیز افزایش دهند. رژیمهایی که از طریق سست کردن ریشه های عزت نفس و ابراز وجود مردم اعمال قدرت می کنند معمولاً بر سلطه مبتنی بر اختلاف جنسیتی و نیز اختلاف طبقاتی و قومی دامن می زنند.

برای زنان همیشه دشوار است که خشونتهای خانگی را گزارش دهند، اما در موقعیتهای جنگو کشمکش، زنان ، به دلیل وجود برخی از محرمت اجتماعی (Taboo) شاید از گزارش دادن خشونت فوق العاده اکراه داشته باشند. جامعه های درگیر جنگ و نزاع زمانی ممکن است به چشم پوشیدن از خشونت های خانگی راغب تر باشند که مرد مرتکب خود یکی از قربانیان خشونت قومی باشد.

حقوق زنان درگیر کشمکش، از جمله حق رها بودن از خشونت جنسی، را باید با قوانین ملی، منطقه ای و بین المللی تحکیم و تقویت کرد از جمله با:

- عهدنامه ای ژنومربوط به سال ۱۹۴۹ (حمایت از افراد غیر نظامی در زمان جنگ) و پروتکل‌های الحاقی آن
- پیمان نامه بین المللی مربوط به لغو شکنجه و مجازات‌های بی رحمانه و غیر انسانی
- قانون عرفی بین المللی و احکام قضایی دیوان بین المللی جنایات جنگی در مورد یوگسلاوی سابق و رواتندا، که به « جنایت علیه بشریت » اذعان می کنند.
- کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان (UNHCR) رهنمودهایی در زمینه رفتار با زنان پناهنده و، به خصوص، درباره خشونت علیه زنان صادر کرده است.

زنان در آرامش بخش

در دوره جنگ جهانی دوم، از -/۱۰۰/۰۰۰ تا -/۲۰۰/۰۰۰ زن به نحوی منظم از همه جا استخدام یا ربوده می شدند و با رفتار سبعانه ای که در موردشان صورت می گرفت مجبور می گردیدند که به عنوان «زنان آرامش بخش» از لحاظ جنسی در خدمت سربازان ژاپنی قرار گیرند. «زنان آرامش بخش»، اگرچه ۸۰ درصد اهل کره بودند (کره در آن زمان یکی از مستعمرات ژاپن بود)، اما شامل زنان ژاپنی، فیلیپینی، چینی، اندونزیایی، و اروپایی نیز می شدند. قرار بر این بود که هرزن در هر روز تقریباً به ۳۰ سرباز خدمت کند، و در عوض مزدناچیزی می گرفت یا اصلاً مزدی دریافت نمی کرد.

گواهیه‌های قوی و قدرت سازماندهی «زنان آرامش بخش» سابق و حامیان آنان موجب شدند که جوامع زنان و حکومت‌های کره، فیلیپین، چین، و اندونزی، ژاپن را مجبور سازند که عذرخواهی کنند و به آن زنان غرامت بپردازند.

در ۱۹۹۳، ژاپن، پس از ۵۰ سال انکار، سرانجام پوزشنامه‌ای صادر کرد و، همراه با آن، غرامت‌ها را به صورت تسهیلات تحقیقاتی و ارزی به کشورهای پرداخت که «زنان آرامش بخش» سابق از آنها گرفته شده بودند، و تأمین هزینه کمک‌های پزشکی و اجتماعی را نیز برعهده گرفت. اگرچه تقاضای بین‌المللی برای جبران خسارات فردی ادامه دارد، پاسخ ژاپن در واقع ستایشی است از قدرت و صلابت بازماندگان «زنان آرامش بخش» سابق و توان همکاری بین‌المللی در میان زنان و گروه‌های حقوق بشر.

یکی از رویدادهایی که به وضوح ثابت کرد که زنان توجه عموم را به این موضوع جلب کرده بودند، دیدار «گزارشگر ویژه در زمینه خشونت علیه زنان» در ۱۹۹۵ از کشور ژاپن بود، که سپس گزارشی به «کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل» تقدیم و تراژدی «زنان آرامش بخش» را محکوم کرد.

زنان و صلح

از سال ۱۹۴۵ به این سو، بیش از ۲۵ میلیون انسان جان خود را به علل مرتبط با جنگ از دست داده‌اند، غیر نظامیان ۹۰ درصد تلفات را در جنگ‌های امروزی تشکیل می‌دهند. متجاوز از ۷۰ درصد این عده زنان و کودکانند.

اگرچه ممکن است مردان بیشتر درگیر جنگ باشند، اکثریت پناهندگان را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند، و در نتیجه احتمال بیشتری می‌رود که اینان آواره یا کشته شوند.

زنان، به رغم آن که در دوره های جنگ و درگیری بیشتر در معرض قتل، تجاوز به عنف، شکنجه، سوء استفاده جنسی، محرومیت، آواردگی، و آسیب های روانی قرار می گیرند، معمولاً در مواضع تصمیم گیری در هیأت های ملی، منطقه ای، و بین المللی که جنگ به راه می اندازند یا برای صلح مذاکره می کنند جایی ندارند. به ندرت زنانی را می توان یافت که در مقام های بالای ارتش یا نیروهای حافظ صلح باشند، در شورای امنیت سازمان ملل، یادر سازمان های دفاع منطقه ای، از قبیل NATO زنانی انگشت شمار خدمت می کنند. باین حال، «در دوره های کشمکش های مسلحانه و فروپاشی جوامع، نقش زنان بسیار قاطع و تعیین کننده است... زنان به عنوان مربیان صلح، هم در خانواده و هم در اجتماعاتشان، سهمی مهم دارند، اما غالباً قدرشان از این بابت، چنان که باید و شاید، شناخته نمی شود...» (برنامه عمل پکن، بند ۱۴۰)

زنان در زندان

در قانون بین المللی حقوق بشر از دیرباز توجه زیادی به رفتار با زندانیان معطوف بوده است. همدر نظر گروه های حقوق بشر و هم در نظر مقام های مسئول زندانها، زندانی خصلتاً مرد است. تقریباً در همه جا مردان به میزانی بالاتر از زنان رشد یابنده ترین تعداد جمعیت زندانی را تشکیل می دهند. توجه ناچیز به مردان زندانی موجب شده است که مسائل عمده مربوط به زنان زندانی نادیده گرفته شوند و مورد غفلت قرار گیرند.

اکثر زنان زندانی از طبقه فقیر یا کراگر یا از اعضای یک کاست یا گروه قومی یا نژادی هستند که از قدرت کمتری در جامعه برخوردارند. تحقیق نشان داده است که درصد فوق العاده زیادی از زنان زندانی قربانیان سوء استفاده جنسی و یا انواع دیگری از خشونت در خانواده بوده اند.

زنان زندانی، مثل مردان زندانی، صرفنظر از علت زندانی بودنشان، دارای حقوق انسانی هستند که باید آنها را رعایت کرد. برطبق ضوابط بین المللی دولتها موظفند که با زندانیان به نحوی انسانی رفتار کنند، تضمین نمایند که آنان را در معرض شکنجه یا هرگونه رفتار یا تنبیه بی رحمانه، غیر انسانی، و توهین آمیز قرار ندهند، شرایط زیست مناسب برایشان فراهم سازند، و براساس جنسیت یا هرزمینه دیگری تبعیضی برای زندانیان قائل نشوند.

خشونت خانگی

زنان به انواع گوناگون خشونت دربیرون از خانه دچارند، از جمله آزار و اذیت جنسی درمحلهای کار، سوء استفاده نگهبانان زندان، حمله درمکانهای عمومی، خیابانها، و اتوبوسها، سخنان زشت در خیابان، که دیدار از برخی مکانها را برای زنان تنها، یا بدون مرد، ناخوشایند یا ناممکن می سازند، حمله به زنان مسافر، تجاوزبه عنف، حمله به زنان معلول و سالمند، هم در خانه و هم درمکانهای عمومی. اما بیشترین حمله به زنان در خانه از جانب مرتکبان آشناسورت می گیرد: شوهران، یا شوهران سابق، پدران، ناپدریها، پدرخوانده ها، برادران، یا پسران، یا خویشاوندان دیگر.

خشونت میان اعضای خانواده یا اعضای یک خانوار را **خشونت خانگی** می نامند. دراین موارد، یکی از اشخاص، از طریق اعمال فشار جسمی یا عاطفی، قدرتی فراچنگ می آورد. هریک از اعضای خانوار ممکن است آماج خشونت خانگی شود، اما بیشتر مواقع زنان طعم این خشونتها را می چشند. در قانون کیفری برخی از کشورها خشونت خانگی صریحاً ممنوع شده است، اما در قانون بسیاری از کشورهای دیگر حتی ذکری از آن به میان نیامده است.

خشونت خانگی متضمن خشونت جسمی و جنسی و نیز زیر پا گذاشتن حقوق باروری است. خشونت خانگی همچنین مشتمل است بر بدرفتاری روانی، از قبیل منزوی کردن اجباری، تحقیر، محروم ساختن از حمایت، و تهدید به خشونت یا آسیب رسانی. کسانی که با بازماندگان بدرفتاریهای خانگی کار می کنند غالباً گزارش می دهند که زنان بدرفتاری روانی را به مراتب کوبنده تر از حمله و هجوم جسمی می دانند.

بررسیهای مربوط به خشونت علیه زنان، اگرچه روی میزان قابل توجی از بدرفتاریهای گزارش شده انگشت می گذارند، چنانند که گویی تعداد مورد وقوع را کمتر از میزان واقعی برآورد می کنند و سطح بدرفتاری را در حداقل می دانند. این امر در هیچ جا به اندازه حوزه خشونت خانگی صادق نیست. « زنان غالباً، به دلیل داشتن احساساتی چون گناهکار انگاشتن خویش، شرم، وفاداری به شخص بد رفتاری یا ترس، از افشای بدرفتاریها اکراه دارند. به علاوه، زنان در بسیاری از فرهنگها چنان پرورش یافته اند که تنبیه بدنی و عاطفی را به عنوان جزئی از مزیت شوهرانه همسرشان می پذیرند، و کمتر احتمال می رود که خود را مورد بد رفتاری تصور کنند».

جلوگیری از خشونتهای خانگی

خشونت علیه زنان و دختران « جلوه ای است از روابط نابرابر قدرت میان مردان و زنان در طول تاریخ، که به سلطه مردان بر زنان و تبعیض بر ضد آنان انجامیده و مانع پیشرفت کامل زنان گردیده است ». (برنامه عمل پکن، بند ۱۱۸). پس در هر تدبیری که برای پرداختن به موضوع خشونت علیه زنان و ارتقای حقوق انسانی زنان اندیشیده شود باید نابرابریهای اساسی قدرت، معتقدات فرهنگی، و ساختارهای اجتماعی ای که ضامن دوام و بقای خشونتند مقابله کرد.

چهار عامل موجب خشونت علیه زنان در خانه می شود:

- (۱) نابرابری اقتصادی میان مردان و زنان
- (۲) وجود الگویی برای استفاده از خشونت بدنی در حل و فصل اختلافات
- (۳) آمریت و ریاست مستبدانه بر تصمیم گیریهای داخلی خانه و
- (۴) تصویر مطلوبی که جامعه از سلطه گری و خشن بودن مردانه پذیرفته است.

از سوی دیگر، چهار عامل موجب کاهش خشونت علیه زنان می شود:

- (۱) قدرت و اختیار زنان در بیرون از خانه، از جمله قدرت اقتصادی و سیاسی
- (۲) مداخله فعال جامعه در موضوع خشونت
- (۳) وجود شبکه های یکپارچه زنان یا گروه های همبستگی
- (۴) دردسترس بودن محلهای حفاظت شده ای برای رهایی یافتن از خشونت، از قبیل پناهگاهها و

خانه های دوستان یا خانواده

بسیاری از زنان خانه و زندگی را ترک می کنند اما بازهم سالهادر موقعیتهای خشونت آمیز باقی می ماند. این امر دلایل پیچیده ای دارد، اولاً، مردم غالباً در برابر کسانی که قربانی هر نوع خشونتی شده باشند واکنشهای نامطلوب نشان می دهند. زن خشونت دیده ممکن است مردم را دچار احساس ناراحتی، گناه، ترس، آشفتگی، و عدم اطمینان سازد. ثانیاً، اکثر زنان از حیث اقتصادی یا اجتماعی پشتوانه ای برای تأمین زندگی خود و فرزندانشان ندارند. در جاهایی هم که پناهگاههایی موجودند، محل غالباً پریاناکافی و مناسب است. معمولاً خانواده ها و اولیای امور نیز ترجیح می دهند که پای خود را از چنین مسائلی کنار بکشند.

عواملی که خشونت‌های مبتنی بر جنسیت را دوام می بخشد.

فرهنگی: پرورش اجتماعی مبتنی بر جنسیت- تعریفهای فرهنگی درباره نقشهای جنسی مناسب-

انتظارات نقشها در روابط - اعتقاد به برتری ذاتی افراد ذکور- ارزشهایی که موجب می شوند مردان

حقوق تملک جویانه ای بر زنان و دختران کسب کنند- مفهوم خانواده به عنوان حوزه خصوصی وزیر

نظارت مردان- آداب و رسوم ازدواج (شیربها/جهیزیه)- پذیرش خشونت به عنوان وسیله ای برای حل و

فصل اختلافات

اقتصادی: مقام و پایگاه نازل زنان و مردان -درسترسی محدود به نقدینگی و اعتبار- حقوق مالکیت،

استفاده از زمینهای اشتراکی، و امرار معاش پس از طلاق گرفتن یا بیوه شدن.

قانونی: مقام و پایگاه نازل زنان همدر قوانین مکتوب و هم درعرف- قوانین مربوط به طلاق- حضانت

فرزند، نفقه، پایین بودن سطح سواد حقوقی، رفتار غیر دلسوزانه پلیس و دستگاه قضایی با زنان

سیاسی: کم بودن تعداد نمایندگان زن در مواضع قدرت و سیاست، رسانه های گروهی و حرفه های

پزشکی، تصورات در این مورد که خانواده نهادی است خصوصی و خارج از حوزه نظارت دولت قرار دارد،

خطر اعتراض به قوانینی که بر وضع موجود تکیه می کنند، سازمان یافتگی محدود زنان به عنوان نیروی

سیاسی و مشارکت محدود زنان در نظام سیاسی سازمان یافته .

حمله جنسی

حمله جنسی شامل تجاوز به عنف و صورتهای دیگر حمله بدنی از نوع جنسی است. مرتکبان حمله

جنسی ، مثل سایر انواع خشونت علیه زنان، به احتمال زیاد اکثراً برای قربانی آشنا و شناخته شده اند.

مثلاً، باپژوهشی که بانک جهانی درچندکشور انجام داد، از طریق استخراج آمارهاو داده های دستگاه

قضایی و مراکز بحران تجاوز جنسی، معلوم شده که در ۶۰ تا ۷۰ درصد موارد تجاوز به عنف، قربانی مرتکب را می شناسد.

نقش اولیای امور: حکومت

در برابر این عقیده که مسئله خشونت علیه زنان را باید به عنوان یکی از موضوعهای مربوط به حقوق بشر تلقی کرد، هنوز مقاومتی به خرج داده می شود. مخالفان این نظر استدلال می کنند که حقوق بشر مرتبط است با روابط میان دولت و فرد و بنابراین آنچه را که مردم در زندگی خصوصی خود می کنند شامل نمی شود. بنابراین استدلال آنان، حمایت شدن در برابر خشونت در کشمکشهای مسلحانه یادر حوزه نظارت دولت را می توان یکی از حقوق بشر دانست، حال آن که در مورد خشونت خانگی چنین نیست، و هر زن کتک خورده باید بر ضد کتک زننده اقامه دعوی کند نه بر ضد دولت.

کسانی که خشونت خانگی را نوعی نقض حقوق بشر می انگارند خاطر نشان یم سازند که دولت و سایر اولیای امور مسئولیت دارند که در خشونت‌های نوع خصوصی نیز دخالت کنند. دولت، با مهیا ساختن شرایطی که به مردان کتک زننده امکان رهایی یافتن از مجازات را می دهند، با نشان ندادن واکنش جدی در برابر شکایتهای زنان در زمینه حمله جنسی، و با حمایت کردن از موسسه هایی که به نیازهای زنان توجهی نمی کنند، در واقع ، هم با اعمال خود هم با خودداری از عمل ، بی چون و چرامسبب بروز خشونت است.

برخی از حکومتها، مسئولیت جلوگیری از خشونت‌های مبتنی بر جنسیت و اقدام برای پیشگیری از خشونت‌های آینده را پذیرفته اند. چنین اعمالی ایجاب می کنند که در آموزش مأموران پلیس، دادیاران ، و قضات تغییراتی پدید آید تا این افراد به درک درست تری درباره خشونت علیه زنان نایل شوند و شوق

و رغبت بیشتری برای جدی گرفتن مسئله خشونت علیه زنان پیدا کنند. پیشگیری شامل آموزش در مدارس برای مبارزه با این عقیده که مردان حق دارند از زنان سوء استفاده کنند نیز می شود. اقدامهای پیشگیرانه همچنین مشتملند بر دایر کردن پناهگاههایی برای زنان آسیب دیده و خدمات مشاوره ای تحت سرپرستی دولت، و نیز برقرار ساختن همکاری میان مقامهای مجری قانون، کارگزاران خدمات اجتماعی، رابطین بهداشت، و گروههای که بازماندگان خشونت را از مشاوره ها و راهنماییهای خود بهره مند می سازند.

تعدادی از دولتها به تازگی قوانینی درمورد انواع گوناگون علیه زنان به تصویب رسانده اند. اگرچه قانونگذاری گام مهمی درمبارزه با خشونت به شمار می رود، باید آن را چیزی بیش از یک موضوع صرفاً حقوقی دانست. درقوانین بسیاری از کشورها مشخصاً نامی از خشونت خانگی یا صورتهای دیگری از خشونت علیه زنان به میان نیامده است، جز این که شاید از سوء استفاده جنسی ذکری شده باشند. این بدان معنی است که زنان ناگزیرند به مفاد عمومی قانون که هرگز قصد تأمین موقعیت زنان در آنها نبوده است توسل جویند. قانون، هنگامی که به بررسی جلوه های گوناگون خشونت علیه زنان می پردازد، غالباً این کار را به نحوی مجزا انجام میدهند. بی آن که این فکر را القا کند که آن جلوه ها از لحاظ ساختاری با یکدیگر ارتباط دارند. به عبارت دیگر، در قوانین معمولاً رابطه میان خشونت علیه زنان و تبعیض و انقیاد زنان به طور کلی مطرح نمی شود، و در نتیجه، قانونهای مربوط به خشونت علیه زنان به صورتی پاره پاره در آمده اند.

قوانین مختص بدرفتاریهای خانگی، در جاهایی هم که موجودند، معمولاً به نحوی جنبه حمایتی دارند. روال کار در این موارد چنان است که زن می تواند به دادگاه مراجعه کند و دلیل متقاعد کننده ای بیاورد

که دادگاه به مرتکب آزار دستور دهد که دست از رفتار خود بردارد و دور از آن زن به سر برد. آنگاه پلیس در صورتی می تواند مرتکب آزار را دستگیر کند که وی نظم حمایتی را مراعات نکرده باشد. لیکن، حتی در جاهایی هم که این گونه راه حل‌های قانونی وجود دارند، باز پلیس و دادیاران و قضات می توانند در جدی گرفتن شکایتهای زنان قصور ورزند و زنان را از رسیدن به نتیجه باز دارند یا بهراسانند.

نقش اولیای امور: رسانه های گروهی و رهبران اجتماع

تلاش برای جرم شمردن خشونت‌های خانگی و اصلاح دستگاه قضایی، اگرچه مهم و لازم است، برای ایجاد تغییرات منظم و اساسی کافی نیست. برای تغییر دادن اعتقادات و نگرش‌های بنیادینی که تقویت کننده خشونت‌های مردانه بوده اند تدبیرهایی نیز باید اندیشید. تکیه کردن به حبس برای مرتکبان آزار به موقعیتهایی مربوط نمی شود که در آنها زنان نخواهند شوهرانشان را به زندان اندازند یا نتوانند از عهده این کار بر آیند.

رهبران دینی و اجتماعی، معلمان، و رسانه های گروهی، نه تنها ممکن است در تداوم بخشیدن به خشونت علیه زنان نقشی منفی ایفا کنند، می توانند در پرداختن به این مسئله و فرونشاندن آن نیز منبع گرانبهایی باشند. مهمتر از همه زنان مایلند که در هنگام بروز بحران پیش از هرکار به اعضای خانواده، رهبران جامعه، متخصصان مراقبتهای بهداشتی، و مددکاران اجتماعی مراجعه کنند. متوسل شدن به دستگاه قضایی غالباً آخرین راه چاره است.

زنان در بسیاری از نقاط جهان دست به کار فعالیتهای آموزشی، تأسیس کارگاهها، تنظیم دادخواستها، برگزاری مجالس سخنرانی، و اقدامات دیگری شده اند تا بتوانند در راه کمک به تغییر آن نوع نگرش‌های اجتماعی که به خشونت می انجامد قدمی بردارند. به علاوه، زنان مبارز در خط مقدم قرار گرفته اند و

برای زنانی که از خشونت جان به در برده اند خدمات مشاوره ای ، پناهگاه، و خدمات دیگری تدارک می بینند.

« پایبندی به مذهب عامل موثری در پیشگیری از خشونت علیه زنان است »

تحقیقی که بر روی یکصد زن قربانی خشونت از سوی همسرانشان در ایران انجام شده است نشان می دهد که عامل بی قیدی به مذهب و اعتقادات دینی عاملی قوی برای روی آوردن مردان به خشونت های مختلف علیه زنان است.

هرچند خشونت علیه زنان ریشه در تاریخ دارد و معضل تمامی جوامع بشری است، بااین حال در جوامع اسلامی به دلیل فرهنگ و اعتقادات مذهبی، تمامی اشکال خشونت در مقایسه با جوامع غربی کمتر است.

تحقیق فوق نشان می دهد مردانی که پدیده خشونت علیه زنان را در کودکی مشاهده کرده اند در زندگی خانوادگی خود بیشتر به زن آزاری دست می زنند. اعتیاد، بیکاری، اختلالات روانی و تربیت غلط دوران کودکی از دیگر عوامل فرهنگی و محیطی تأثیر گذار بر پدیده زن آزاری از سوی مردان شمرده می شود.

مراجعات مختلف به پزشکی قانونی نشان می دهد که خشونت علیه زنان در هر قشر و طبقه ای وجود دارد. اینگونه خشونتها عوارض جسمی و روانی شدید در پی دارد. آسیبهای مغزی و روحی بر روی زنان عموماً منجر به تمایل و یا انجام خودکشی از سوی آنان می شود. آمار نشان می دهد خشونت علیه زنان در میان زنان با سواد و شهر نشین شایع تر است. به این دلیل که زنان با سواد و شهر نشین نسبت

به حقوق خویش آگاه ترند و زودتر به مراجع قانونی مراجعه می کنند و زنان دیگر به دلیل عدم آگاهی

حقوق خویش، اشکال مختلف خشونت را تحمل می کنند.^۱

^۱ منبع: اخبار تلکس خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۰۸/۱۸

حق انسانی زنان در امور باروری و امور جنسی

اهداف

- اهمیت حقوق جنسی و باروری برای زنان و رابطه متقابل آنها را با سایر حقوق انسانی تشخیص دهند.
- راههایی را که حقوق زنان در زمینه باروری و امور جنسی از آن طریق تهدید می شوند بشناسند.
- نقش دولت، رهبران جامعه، رسانه های گروهی و خود زنان را در حمایت و دفاع از حقوق زنان در مورد باروری و امور جنسی تعریف می کنند.
- رابطه میان سیاستهای تنظیم جمعیت و حقوق مربوط به امور جنسی و باروری را نقادانه تحلیل کنند.
- موضوع آموزش بهداشت جنسی و باروری را از چشم انداز حقوق انسانی زنان مورد بحث و بررسی قرار دهند.

شروع به حرکت: اندیشیدن درباره حقوق مربوط به باروری و امور جنسی

در حدود نیمی از جمعیت مونث جهان در سن باروری (۱۵ تا ۴۹ سالگی) قرار دارند. در ۲۰ سال آینده این گروه تا ۳۰ درصد افزایش خواهد یافت. زندگی و سلامت زنانی که در سن باروری هستند تا حد زیادی از نقش بالقوه ای که در تولید مثل دارند تأثیر می پذیرد. در دو دهه گذشته، پیشرفتهای بزرگی در سراسر جهان در زمینه کاهش مرگ و میر در ارتباط با بهداشت باروری حاصل شده است. به رغم چنین پیشرفتی، در برنامه عمل یکن اشاره شده است:

بهداشت باروری برای بسیاری از مردم جهان تأمین نبوده است. برخی از عوامل این امر بدین قرارند: کافی نبودن سطح معلومات درباره مسائل جنسی انسان و وجود اطلاعات و خدمات نامناسب یا نامطلوب در زمینه بهداشت باروری، شیوع رفتارهای بسیار خطرناک جنسی، رسوم تبعیض آمیز اجتماعی، نگرشهای منفی در مورد زنان و دختران، و قدرت و اختیار محدودی که زنان و دختران در مورد زندگی جنسی و باروری خود دارند. نوجوانان، به دلیل نداشتن اطلاعات و عدم دسترسی به خدمات مناسب در اکثر کشورها، عملاً آسیب پذیرند. زنان و مردان سالمند مسائل باروری و جنسی جداگانه ای دارند که غالباً به نحو کافی و مناسب به آنها پرداخته نشده است. (بند ۹۵)

رویارویی با واقعیت‌های مربوط به بهداشت باروری زنان

- تقریباً $500/000$ زن در هر سال - یعنی $1/500$ تن در هر روز - در اثر عارضه های مربوط به بارداری جان می سپارند.
- خطر مرگ برای هر زن افریقایی در طول عمر در نتیجه عوارض مربوط به بارداری و زایمان ۱ در ۲۳ است، این رقم در مورد زنان امریکای شمالی ۱ در $4/000$ است.
- در کشورهای رو به توسعه، ۵۵ درصد زایمانها توسط کارکنان تحصیل کرده بهداشت صورت می گیرد، و در کشورهای صنعتی این نسبت به ۹۹ درصد می رسد.
- دست کم ۱۰۰ میلیون زن - یعنی یک زن از هر شش زن ازدواج کرده در کشورهای رو به توسعه غیر از چین - مایلند که از برنامه تنظیم خانواده استفاده کنند اما از وسایل جلوگیری بی بهره اند. در آن کشورها، از هر چهار زایمان یک زایمان ناخواسته است.

تعریف حقوق باروری و جنسی

در « کنفرانس بین المللی جمعیت و توسعه » (ICPD) که در سال ۱۹۹۴ از طرف سازمان ملل در قاهره مصر برگزار شد، بحث درباره حقوق باروری به اوج رسید. برای نخستین بار، ۱۸۰ کشور توافق کردند که رشد جمعیت را باید تثبیت کرد و کوشش های عمرانی را باید از طریق پیشبرد زنان افزایش داد. روشن شد که بهداشت باروری و جنسی زنان مستقیماً با مسایل مربوط به رشد پایدار جمعیت و پیشرفت اقتصادی پیوند دارد. در برنامه عمل ICPD، یعنی سند عمده ای که در نتیجه این کنفرانس صادر شد، نیاز مردان و زنان به آگاه شدن درباره وسایل سالم، موثر و آسان جلوگیری از بارداری و سایر خدمات و مراقبتهای بهداشتی، و داشتن دسترسی به همه آنها، به رسمیت شناخته شد.

ECPD حقوق فرزند دختر را نیز ارتقاء بخشید. برنامه عمل، امور زیان آور- از قبیل گزینش جنسیت قبل از زایمان دختر کشی، ختنه دختران و زنان، خرید و فروش دختر بچه ها، و استفاده از دختران در روسپیگری، و هرزه نگاری- را مورد سرزنش قرار داده است. در موفقیتی اساسی، ICPD مردان را نیز مخاطب فرار داده و از آنان خواست که مسئولیت رفتار جنسی خود را برعهده گیرند.

وکلائی مدافعی که در ۱۹۹۵ در « کنفرانس جهانی » پکن حضور داشتند به رهبران جهان اصرار کردند که با تعریفهای مربوط به حقوق جنسی و باروری زنان موافقت کنند. در برنامه عمل پکن، که نتیجه این توافق است، تعریف های زیر عرضه شده اند:

- **بهداشت باروری** «عبارت از بهره مند بودن از نوعی حلالیت سلامت کامل جسمی، ذهنی، و اجتماعی- و نه صرفاً فقدان بیماری یا ضعف - در همه امور مربوط به نظام تولید مثل و کارکردها و فرآیندهای آن از این رو، بهداشت باروری ایجاب می کند که مردم بتوانند

زندگی جنسی سالم و رضایت بخشی داشته باشند و از قابلیت تولید مثل و آزادی در این

که چه موقع و چندبار به تولید مثل بپردازند برخوردار باشند». (بند ۹۴)

- **مراقبت های بهداشت باروری:** « عبارتند از روشها، فنون و خدمات که، با پیشگیری از مشکلات مربوط به بهداشت باروری، سهم به سزایی در بهداشت و سلامت باروری دارند. همچنین مشتمل است بر بهداشت جنسی، که منظور از آن تقویت زندگی و روابط شخصی است، و نه صرفاً استفاده از مشاوره و مراقبتهای مربوط به تولید مثل و بیماریهای مقاربتی» (بند ۹۴).

مبانی قانونی حقوق انسانی مربوط به باروری

- حق آزادی و امنیت شخصی : اعلامیه جهانی حقوق بشر (UDHR) ماده ۳، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) ، ماده ۹ (۱)
- حق بهره مندی از تندرستی و بهداشت: میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR) ، ماده ۱۲.
- حق عدم تبعیض در ارائه مراقبتهای بهداشتی و در خانواده: پیمان نامه رفع هرگونه تبعیض علیه زنان (CEDAW)، ماده ۱۲ (۱) ، ۱۶ (۱).
- حق ازدواج و تشکیل خانواده: UDHR، ماده ۱۶ (۱)، CEDAW، ماده ۱۶(۱)، ECCPR ، ماده ۲۳ (۲).
- حق رهایی از مداخله خودسرانه و غیر قانونی در زندگی خصوصی و خانه : ICCPR ، ماده ۱۷ (۱).

• حق بهره مندی از پیشرفتهای علمی و رضایت برای انجام آزمایشهای علمی: ICCPR

ماده ۲ (۱)، ICESCR، ماده ۲ (۲)

• حق زنان و مردان برای دسترسی داشتن به برنامه تنظیم خانواده بر پایه مساوات:

CECAW ماده ۱۲ (۱)

• حق زنان روستایی برای برنامه ریزی خانوادگی: CEDAW ماده ۱۴، (۲) (ب)

نقش اولیای امور

همچنان که در مورد سایر حقوق انسانی صادق است، دولت هم ایجاباً وظیفه دارد که به بهبود وضع حقوق جنسی و باروری یاری رساند و هم سلباً موظف است که در این حقوق مداخله نکند: مثلاً، برای این که زنان از حقوق کاملی در زمینه باروری برخوردار باشند، دولت‌ها باید گستره وسیعی از اطلاعات و خدمات را برای همه زنان و دختران فراهم آورند و در هنگام لزوم، برای تضمین این که بتوانند تصمیم‌هایشان را خود بگیرند، دسترسی به تشکیلات قانونی را برایشان امکان پذیر سازند. به همین دلیل، مدافعان حقوق زنان باید به پافشاری به اصولی که در مورد بهداشت جنسی در برنامه عمل قاهره و برنامه عمل پکن درج شده اند ادامه دهند.

برای آن که حقوق انسانی، از جمله حق آزادی و بهداشت جنسی، عملاً به صورت عام و کلی در آیند، لازم است که دولت‌ها طوری وسایل اولیه را فراهم آورند که بتوان در زندگی روزمره شاهد شکوفایی آن حقوق بود.

برای تأمین کامل بهداشت باروری، همه مردم به آنچه در زیر ذکر می‌شوند نیاز دارند:

- اطلاعات، آموزش ، و ارتباطات در زمینه بهداشت باروری و آزادی مربوط به تولید مثل، بیماریهای مقاربتی، مسائل جنسی انسان، والدین مسئول، روابط قدرت براساس جنسیت، سوء استفاده جنسی و آمیزش با محارم، تفاوت‌های جنسی، و تأثیرات مواد سمی بر بهداشت باروری.

- وسایل مطمئن، مناسب ، و قابل دسترس برای جلوگیری از بارداری، از جمله طیف وسیعی از روشها.

- ترویج رفتارهای جنسی مسئولانه

- دسترسی به مراقبتهای کافی پزشکی، از جمله - امانه محدود به - مراقبتهای مرتبط به بیماریهای زنان، و مراقبتهای پیش از زایمان، ضمن زایمان، و پس از زایمان

- پیشگیری و درمان بیماریهای مقاربتی، از جمله ایدز، اما نه محدود به آن

- پیشگیری از نازایی و درمان مقتضی

- شناخت همه مقررات مربوط به تربیت فرزند و حمایت از آن مقررات

- از بین بردن عوامل خطرآفرین برای تولید مثل در زندگی، از جمله خطرهای مربوط به محیط زیست و محل کار

- گنجاندن دیدگاههای زنان و سازمانهای زنان در برنامه ریزی ، اجرا، پژوهش ، و ایجاد روشهای جدید در زمینه باروری و در برنامه ها و خط مشی های مربوط به تدارک مراقبتهای بهداشت باروری و آموزش جنسی.

- دسترسی به شغل، مسکن، مراقبتهای بهداشتی ، تحصیلات کافی و مناسب

• و....

آخرین فقره از فهرست بالا به ندرت تأمین می شود. با این حال بسیاری از اوقات بهداشت باروری مشروط به وضع اقتصادی و اجتماعی زنان است زنان و دختران، بدون برخورداری از تعلیم و تربیت، داشتن دسترسی به اطلاعات، مراقبتهای بهداشتی، و منابع اقتصادی، نمی توانند به طور کامل در مورد تولید و فعالیت جنسی تصمیم های خاص خود را بگیرند. به ویژه زنانی از حقوق باروری و جنسی بی بهره اند که در روابط جنسی خشونت بار در جوامع بی رحمی به سر می برند که آنان را از گرفتن تصمیم یا جست و جوی مراقبتهای بهداشتی مانع می شوند.

سقط جنین

کوششهای بسیاری از زنان برای بیان خواستههایشان در مورد حقوق جنسی و باروری بر موضوع دسترسی به سقط جنین بی خطر و سالم متمرکز بوده اند. در سراسر جهان، اهمیت سقط جنین برای تندرستی زنان عمدتاً وابسته به این امر است که آیا سایر روشهای جلوگیری از بارداری در دسترسند یا نه؟ با این حال، یکی از آمارها به صورتی تقریباً ثابت باقی مانده است: در جاهایی که زنان از دسترسی به سقط جنین محرومند، میزان مرگ و میر در اثر سقط جنین های غیر قانونی و خود انگیزه سر به فلک می زند. زنان فقیر و « اقلیتی» که از منابع مالی برای پرداخت مخارج مراقبتهای مطلوب و مساعد بی بهره اند، در نتیجه سقط جنین های غیر قانونی در مقیاسی به مراتب بالاتر از زنان دیگر جانیشان را از دست می دهند.

بنابر اظهار « سازمان جهانی بهداشت» (WHO)، سقط جنین غیر قانونی و ناسالم علت عمده مرگ و میر زنان باردار است. در همه نقاط جهان، هر روز تقریباً ۵۰۰ زن در اثر عوارض ناشی از سقط جنین

های ناسالم و غیر قانونی جان می سپارند. در نواحی پیشرفته که سقط جنین در آنها عمدتاً قانونی است و خدمات بهداشتی احتمالاً بیشتر قابل دسترسند احتمال خطر مرگ از سقط جنین ۱ در -/۳۷۰۰ نفر است در نواحی رو به توسعه این نسبت به طور متوسط ۱ در ۲۵۰ نفر است.

کنفرانس قاهره و بحث سقط جنین

سقط جنین یکی از موضوعهای اصلی مناظره ای پرشور بود که در ۱۹۹۴ در « کنفرانس بین المللی جمعیت و توسعه » (ECPD) در قاهره صورت گرفت. بحث در نهایت بر موضوعهای اختیار و نظارت متمرکز شد. برخی از جوامع دولتی و مذهبی قبول نداشتند که زنان می توانند برای خاتمه دادن به بارداریهای ناخواسته تصمیم بگیرند. بعضی دیگر معتقد بودند که همه کس، از جمله دولت، پزشک، شوهر، مأمور مذهبی - جز خود زنان - حق گرفتن این تصمیم را دارند. دولتها معمولاً سعی می کنند که از طریق اقدامهای تنبیهی بر سقط جنین نظارت داشته باشند، عده ای از حکومتها پزشک مجری سقط جنین را مجازات می کنند و عده ای دیگر هم پزشک و هم زنی را که سقط جنین می کند به کیفر می رسانند. با این که در کنفرانس قاهره بر تعهدکشورها در برابر بهداشت و تندرستی زنان بار دیگر تأکید شد، اما موضوع حق استقلال و اختیار زنان بر تن خویش زنگ خطر را برای بسیاری از تشکیلات مذهبی و سیاسی، از جمله گروههایی که در دفاع از کنترل جمعیت رایزنی می کنند، به صدا در آورد. در نتیجه، هرچند حق بهره مندی از مراقبتهای بهداشتی در برنامه عمل کلاً به رسمیت شناخته شده و بهداشت باروری به عنوان یکی از اجزای ضروری مساوات زنان تأکید گردیده است، اما از گنجاندن حق خاصی در مورد سقط جنین یا اختیار زنان بر بدن خویش در آن برنامه خودداری شده است.

اختلاف نظر در کنفرانس قاهره تا حدی بر محور این نکته پدید آمده که آیا سقط جنین را باید از دیدگاه تندرستی و بهداشت زنان نگریست یا نه. در پیش نویس سندی که قبل از برگزاری جلسه تنظیم شد، حمایت محدودی از تسهیلات مربوط به سقط جنین بی خطر و قانونی، به عمل آمد و بر تندرستی و بهزیستی زنان بیشتر تأکید شد تا بر ضوابط کیفری و اقدامهای جزایی. اما در سند نهایی، که توسط نمایندگان شرکت کننده در کنفرانس تهیه شد، فقط قید گردید که در شرایطی که سقط جنین مخالف قانون نباشد، باید سالم و بی خطر باشد. در این سند، تأکید معطوف بود بر موضوع کاهش « توسل به سقط جنین از طریق خدمات گسترده و پیشرفته مربوط به تنظیم خانواده، »

در هیچ جای سند، سقط جنین به عنوان حق زنان در نظر گرفته نشده است.

کنترل جمعیت

موضوع باروری زنان نخستین بار در صحنه جهانی به صورت جزئی از موضوعی که « مسئله کنترل جمعیت » نامیده می شود مطرح گردید. رشد جمعیت به منزله یک بمب ساعتی که آماده انفجار است توصیف شده است. همان گونه که آمار تپاسن خاطر نشان می سازد. « این تصورات اسفبار موجب گردیده اند که تمایلی به جست و جو برای یافتن راه حلهایی که در آنها مردم نه به عنوان موجوداتی عاقل و منطقی، یا هم پیمانانی که با مسئله ای مشترک مواجه باشند، بلکه به عنوان سرچشمه های برانگیخته و مهار نشده آسیبه های بزرگ اجتماعی تلقی می شوند که به نظم و انضباط شدید نیازمندند.»

دلایل موجهی برای نگران بودن از مسئله رشد جمعیت و پرداختن به آن وجود دارد. میزان باروری زیاد برای مساوات در زندگی، به ویژه مساوات زنان، زیان آور است. وانگهی، میزان باروری زیاد معمولاً نشانه آن است که کار از جای دیگری خراب است.

تفاوت دیگر میان حقوق باروری و کنترل جمعیت به کانون برنامه های دولت مربوط می شود. در خط مشی های مرتبط با موضوع جمعیت ، زنان معمولاً در چارچوب ازدواج در نقش محدود زاینده فرزند همسر فداکار، و مادر انگاشته شده اند. همه زنان دیگر- از جمله طلاق گرفتگان، بیوگان ، یا زنان رها شده، و نیز زنان مجرد و زنانی که جدا از مردان بسر می برند- از نظر دور مانده اند. اما همه زنان در ارتباط با بهداشت جنسی و باروری خویش نیازهایی دارند، و مفهومی حقوق جنسی و باروری در مورد همه زنان، صرف نظر از موقع و مقامشان، به کار بردنی است.

خط مشی های مبتنی بر حقوق جنسی و باروری وجود قوانین سرکوبگرانه دولتی، سیاست جمعیتی، و آداب رسوم اجتماعی را منع می کنند. درعین حال، خط مشی های مرتبط با حقوق جنسی و باروری موجب می شوند که دولتها و جامعه بین المللی کوششهای مثبتی کنند و موقعیتهای اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی فراهم آورند که حامی استقلال، تندرستی و وضع معیشتی زنان باشند. « با ایجاد فرصتهای بیشتر برای آموزش (بخصوص آموزش زنان و دختران)، کاستن از مرگ و میر (بخصوص در بین کودکان)، بهبود در امنیت اقتصادی (بخصوص در سالخوردگی) و امکان بیشتر برای مشارکت زنان در زمینه اشغال و اقدام سیاسی، می توان انتظار داشت که کاهش سریع در میزان زاد و ولد از طریق تصمیم ها و اقدامات کسانی به نتیجه رسد که زندگیشان به آن امور وابسته است.»

تمرین

خانم (م)، ۲۵ ساله ، مادر ۳ فرزند، به دلیل تأخیر در قاعدگی به پزشک مراجعه کرده است. پزشک درباره روش پیشگیری از بارداری او سؤال می کند و آزمایش تشخیص حاملگی را درخواست می کند. خانم (م) پاسخ می دهد که (من و شوهرم) مطمئن هستیم که مورد حاملگی نیست، ما ده سال است این روش را به کار می بریم، نیازی به آزمایش حاملگی نیست. به هر حال پاسخ آزمایش از نظر حاملگی مثبت است. خانم (م) به دلیل داشتن ۳ فرزند و مشکلات ناشی از آن اصرار به خاتمه حاملگی و انجام سقط دارد.

الف: اگر شما به جای پزشک باشید چه میکنید؟

ب : راه حل های مختلف در برابر خانم (م) را لیست کنید.

ج : گروه های زنان و سایر سازمانهای دولتی چه می توانند بکنند؟

ه : عقاید، رسوم، و قوانین در این باره چه می گویند؟

و : همسر این خانم چه باید بکند؟

ز : خانواده این خانم چه باید بکنند؟

وضعیت بهداشت، تغذیه، سلامت، در تنظیم خانواده، درج ۱.۱.۱. ایران

اول - دستاوردها

۱. ایجاد گسترش شبکه خدمات بهداشتی در سطح کشور ۸۵٪ جمعیت روستایی و ۱۰۰٪ جمعیت شهری را به ویژه در زمینه ارائه خدمات بهداشت باروری تحت پوشش قرار می دهد.
۲. تمرکز زدایی از خدمات بهداشتی و گسترش آنها به نواحی دورافتاده و روستاها از طریق خانه های بهداشت روستایی
۳. ایجاد بانک اطلاعاتی تحقیقاتی بهداشت باروری از دیدگاه جنسیتی
۴. در اختیار قراردادن اطلاعاتی راجع به تنظیم خانواده و بهداشت باروری از طریق دوره های ویژه مشاور برای زوجهای جوان
۵. ارائه مشاوره های ژنتیک برای افرادی که قصد ازدواج دارند.
۶. ارتقای سطح آگاهیهای عموم به ویژه زنان از طریق رسانه ها در مورد تشخیص زودرس ، پیشگیری از سرطان پستان ودانه رحم و اقدام سریع جهت درمان مناسب
۷. اجرای موفق برنامه تنظیم خانواده و کاهش نرخ رشد جمعیت از جمعیت از ۲۷٪ در سال ۱۹۷۹ به ۱/۴٪ در سال ۱۹۹۶ و گسترش روشهای پیشگیری از بارداری
۸. کاهش مرگ و میرمادران از ۹۱ درصد هزار تولد زنده در سال ۱۹۹۸ به ۳۷/۴ در سال ۱۹۹۶ و ۳۷ در سال ۱۹۹۹ و تشکیل کمیته کاهش مرگ میر مادران و نوزادان در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

۹. گسترش فعالیتهای سازمانهای غیر دلتی که با هدف ارتقای بهداشت باروری زنان و دختران فعالیت می کنند.

۱۰. اکنون بیش از ۴۲ واحد درمان نازایی IVF در سراسر کشور فعالیت دارند که بخش خصوصی در این زمینه از فعالیت زیادی برخوردار است.

۱۱. دسترسی زنان به ید بطوری که اکنون ۹۴/۵٪ خانواده ها از نمک ید دار استفاده می کنند.

۱۲. اتخاذ تدابیر حمایتی برای زنان (کارگر و کارمند) در حین بارداری و پس از زایمان از طریق اعطای امتیازاتی چون مرخصی ایام زایمان (افزایش مدت مرخصی از ۳ ماه به ۴ ماه با حفظ حقوق)، مرخصی برای شیر دهی اطفال (تصویب و اجرای قانون ترویج تغذیه با شیر مادر در دوران شیردهی اطفال (تصویب و اجرای قانون ترویج تغذیه با شیر مادر در دوران شیر دهی مصوب ۱۳۷۴) و اجرای تصویب نامه راجع به ایجاد شیرخوارگاه و مهد کودک در کارگاههای دولتی و وابسته به دولت

۱۳. ارائه برنامه ملی امنیت غذایی با تأکید بر گروههای آسیب پذیر از جمله زنان و کودکان، دستیابی به امنیت غذایی پایدار یکی از سیاستهای کلی در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور بود و تقویت نقش زنان در سلامت تغذیه ای خانوار یکی از اقدامات عملی برای دستیابی به امنیت غذایی پیش بینی شده در برنامه توسعه سوم بود.

۱۴. واکسیناسیون دختران در دبیرستانها علیه بیماری کزاز

۱۵. برگزاری کارگاههای آموزشی پیرامون سلامت دختران نوجوان و جوان با توجه به سه محور بهداشت بلوغ و باروری بهداشت روان و تغذیه

۱۶. بررسی طرح شاخصهای چندگانه وضعیت زنان و کودکان در سال ۱۳۷۶ حاکی از آن است که حدود ۷۸ درصد از مادران باردار در مقابل کزاز واکسینه شده اند.

۱۷. تنظیم پرونده خانوار در کلیه خانه های بهداشت و پایگاههای بهداشت برای تمام خانوارهای تحت پوشش یکی از اجزای ثابت هر پرونده مراقبت از مادران باردار است که در طی دوره بارداری خود حداقل باید ۱۱ بار مراقبت شوند.

۱۸. به منظور گسترش دسترسی جمعیت روستایی به خدمات زایمان ایمن و انجام زایمان توسط کارکنان دوره دیده تعداد ۳۹۴ واحد ارائه تسهیلات زایمانی راه اندازی شده و تعداد ۶۳۰۰ نفر مامایی روستایی تربیت و مشغول ارائه خدمات زایمان و تنظیم خانواده و مراقبتهای دوران بارداری شده اند.

۱۹. امید به زندگی زنان در ایران نسبت به مردان $\frac{1}{2}$ سال بیشتر است. این شاخص برای زنان ۷۰/۳۰ سال و برای مردان ۶۸/۲ سال می باشد.

۲۰. ایجاد تسهیلات ورزشی برای زنان تا حد امکان

دوم – چالشها، محدودیتها و موانع

۱. جوان بودن جمعیت کشور باعث افزایش رشد جمعیت در دهه های آتی خواهد شد.

۲. مشارکت کم مردان در برنامه های بهداشت باروری و تنظیم خانواده به دلیل باورهای غلط سنتی و عدم توجه به آموزش فرهنگ مشارکت در برقراری روابط جنسی، زندگی خصوصی و...

۳. مشارکت اندک بخش خصوصی و NGOs در برنامه های بهداشتی

۴. کم سوادى جمعيت در برخى از مناطق محروم روستايى و وجود مشكلات فرهنگى به ويژه در برخى مناطق مرزى و محروم كه اكثر زنان ترجيح مى دهند به پزشك يا كارمند بهداشتى درمانى مونث مراجعه كنند كه اين امر به تعداد كمتر پزشكان و كارمندان بهداشتى درمانى زن نسبت به مردان منجر به نوعى تبعيض مى شود در نتيجه اين قشر عظيم را از دريافت خدمات بهداشتى محروم مى كند. (نبود دسترسى برابر زنان و مردان به خدمات بهداشتى به دليل عدم تعادل جنسى بين متخصصان)

۵. سوء تغذيه مادران به ويژه در زمينه جذب آهن، كلسيم و...

۶. گسترش برخى بيماريهاى عفونى همچون ايدز و عدم برنامه ريزى در زمينه پيشگيرى و مبارزه با آن بيماريها

۷. كمبود امكانات براى درمان نازايى و بارورى

۸. كمبود امكانات براى مراقبت از سالمندان به خصوص مقابله با عوارض يائسگى در زنان

۹. عدم توجه كافى به برنامه هاى بهداشت بارورى زنان جوان و اطلاع رسانى از اين برنامه ها

۱۰. عدم كفايت هماهنگيهاى بين بخشى در فعاليتهاى اجرايى، تحقيقاتى و آموزشى

۱۱. تناقض و عدم هماهنگى بين سن بلوغ شرعى، سن ازدواج بارورى و ... كه اين امر به ويژه در خصوص دختران بيشتر خد را نشان مى دهد.

۱۲. پايين بودن نسبى كيفيت خدمات بهداشت بارورى (۳/۲۷٪) قرصهاى خوراكى پيشگيرى از حاملگى OCP را غلط مصرف مى كنند.

۱۳. رشد سريع شهر نشينى

سوم اقدامات آتی

۱. سیاستگذاری جهت جلب مشارکت مرداندر کلیه امور خانواده از جمله بهداشت باروری و تنظیم

خانواده

۲. ایجاد زمینه مناسب برای جلب مشارکت سازمانهای غیر دولتی در زمینه فعالیتهای بهداشتی و

در مورد لزوم تقویت بنیه مالی تشکیلات دولتی زنان و حمایت از آنان برای ارائه خدمات و

آموزشهای بهداشتی

۳. توجه ویژه به تأمین اجتماعی گروههای مختلف جامعه و به خصوص زنان (تصویب و اجرای

نظام جامعه تأمین اجتماعی)

۴. پیشنهاد وارد کردن برنامه بهداشت سالمندان با توجه خاص به زنان سالمنددر سیستم شبکه

های بهداشتی درمانی کشور

۵. توجه به آموزش بهداشت باروری جوانان و نوجوانان و مشخص شدن محدوده های مجاز

پرداختی جدی به ابعادی از برنامه های بهداشت باروری

۶. توجه به سرطانهای شایع زنان

۷. تهیه طرح ملی امحای خشونت علیه زنان و اقدام برای تدوین برنامه عملیاتی

۸. توجه ویژه به گسترش امکانات ورزشی کشور به عنوان یکی از مصادیق بارز تحقق عدالت

اجتماعی

۹. ایجاد شرایط دسترسی همه زنان به زایمان ایمن

۱۰. گسترش نقش شوراهای محلی در تخصیص هزینه های اجتماعی به اولویتهای بهداشتی

۱۱. ایجاد هماهنگی بیشتر بین فعالیتهای بهداشتی سازمانهای دولتی، بخش خصوصی، سازمانهای

غیر دولتی و نهادهای عام المنفعه

۱۲. افزایش تعداد پرسنل زن در مراکز بهداشتی درمانی شهری و تربیت بیشتر ربهورزان زن و

همچنین اختصاص بیشتر برخی رشته های تخصصی پزشکی به زنان از طریق ایجاد امکانات

برای پرورش و بهره گیری مناسب از نیروی کار زنان در رشته های مختلف و مبارزه با موانع و

محدودیتهای حقوقی و فرهنگی برای مشارکت زنان در برنامه های مختلف بهداشتی، جمعیتی

و زیست محیطی

۱۳. برنامه ریزی جهت آگاه سازی مردمدر مورد ایدز و دیگر بیماریهای آمیزشی در سراسر کشور به

ویژه در مناطق دور افتاده و تدوین برنامه استراتژیک مبارزه ملی با ایدز

۱۴. تداوم نقش دولت در ارائه خدمات و مراقبتهای بهداشتی پایه برای همه اقشار جامعه و پرداخت

یارانه ها در این زمینه و گسترش زمین های ارائه خدمات بهداشتی تخصصی از سوی بخش

خصوصی و نیز گسترش نقش آن در سیاستگذاری و تنظیم و برنامه های بهداشتی کشور

۱۵. گسترش برنامه های آهن یاری و برنامه های افزایش کلسیم و ویتامین ها برای کلیه زنان

۱۶. تلاش در جهت تصویب قانون مربوط به تعیین حداقل سن ازدواج و بررسی ممنوعیت مطلق

نکاح صغیره (قبل از بلوغ) و نیز مقابله با ازدواجهای اجباری

جدول (۱) - خانه های بهداشت فعال روستاها و جمعیت تحت پوشش آنها

سال	خانه های بهداشت فعال	جمعیت تحت پوشش	زن	مرد
۱۳۵۷	۱۴۱۴۶	۱۹/۴	۶۰	۴۰
۱۳۷۶	۱۴۹۲۴	۲۰/۳	۶۱	۳۹

مأخذ: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، ۱۳۷۶

جدول (۲) امید به زندگی در بدو تولد: ۱۳۷۵

شاخص	مرد	زن
۱۳۷۵	۶۷	۶۹/۸

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶